

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

متن کامل مصاحبه تاریخی

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

در آستانه هشتاد و نهمین سالگرد انقلاب شاه و مردم

و

گفتاوردهای مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی و گفت

در جلسه تاریخی اوپاک

این نشریه در بیست هزار نسخه
در فروردین ماه ۱۳۵۰ توسط
روزنامه «پرچم خاورمیانه» چاپ
شده است .

چاپ پرچم خیابان سوم اسفند

تلفنهای ۶۶۶۳۰۷ و ۶۶۹۹۵۷

۳۸

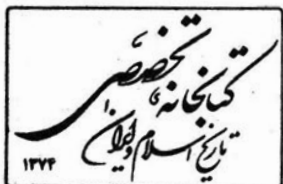
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ، شب چهارشنبه چهاردهم بهمن ماه در جلسه علنی کنفرانس کشورهای عضو اوپک بیانات مهمی راجع به مسائل نفت ایراد فرمودند و سیاست و روش ایران را در قبال این مسائل روشن ساختند .

در جلسه علنی عصر همان روز که در کاخ سنا تشکیل شد ، علاوه بر هیئت‌های نمایندگی ده کشور عضو اوپک - آقای هویدا نخست وزیر و اعضای هیئت دولت ، رؤسا و نمایندگان دو مجلس - وزیر دربار شاهنشاهی - رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران - رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی و رئیس دفتر مخصوص شاهنشاه - عده‌ای از شخصیت‌های مملکتی و دهها تن از خبرنگاران داخلی و خارجی حضور داشتند .

در آستانه سال جدید متن فرمایشات شاهنشاه آریامهر را که در یک مجلد که در مورد درخواست خوانندگان ارجمند ما در خلیج فارس میباشد و منتج به پیروزی بیسابقه ایران و سایر کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) گردید بعنوان بهترین هدیه نوروزی و یک یادگار با ارزش بملت ایران تقدیم داشته و امیدواریم که عنایات خداوندی همیشه شامل حال ملت سربلند ایران باشد و تاریخ شاهنشاهی ایران با افتخار از این روزهای پر ارزش و گرانقدر بخوبی یاد کند .

حسن عرب

مدیر روزنامه پرچم خاورمیانه
نشریه سیاسی خوزستان

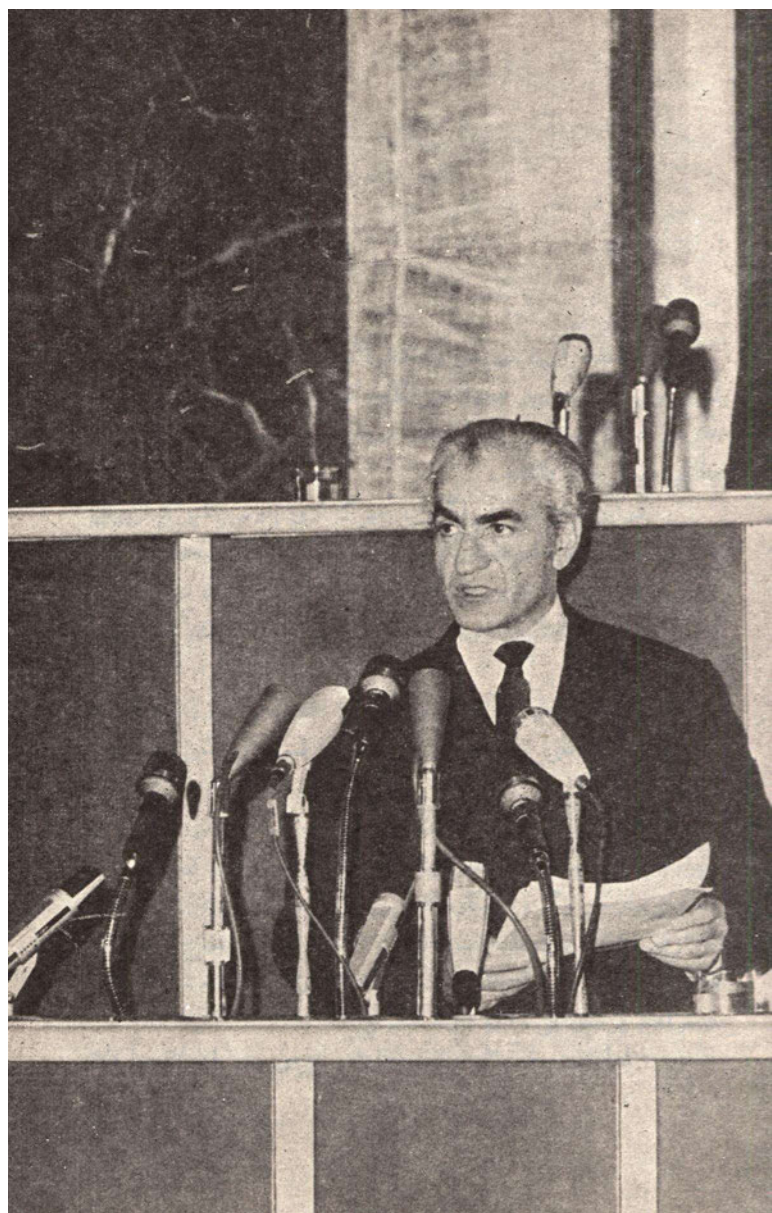


متن کامل مصاحبه تاریخی

علیحضرت همایون شاهی شاه آریامهر

در آستانه بیستین سالگرد انقلاب

شاه مردم



شاهنشاه آریا مهر در يك كنفرانس بزرگ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که باحضور دهها خبرنگار، فیلمبردار و عکاس ایرانی و خارجی در کاخ نیاوران ترتیب یافت در باره مسائل مهم داخلی و بین‌المللی مطالب مهمی بیان داشتند.

در این کنفرانس خبرنگاران خبرگزاری پارس و خبرگزاریهای خارجی، مدیران مطبوعات پایتخت و نمایندگان روزنامه‌ها، رادیو تلویزیونهای ایران، شوروی، انگلستان، امریکا، بلژیک، فرانسه، ژاپن، رومانی، ایتالیا، سویس، آلمان غربی و کشورهای خاورمیانه شرکت داشتند.

در آغاز آقای جواد منصور وزیر اطلاعات روزنامه‌نگاران و مخبرین داخلی و خسارچی را معرفی کرد و ضمن سخنانی بمرض رسانید :

شاهنشاهها، در آستانه سالگرد انقلاب ششم بهمن مدیران و خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات، خبرگزاریها و رادیو تلویزیونهای داخلی و خارجی و گروه دیگری که این روزها برای بازدید از ایران و گزارش مطالب مربوط به نفت به تهران آمده‌اند برای استماع فرمایشات شاهنشاه در این جلسه افتخار حضور یافته‌اند و از پیشگاه مبارک اجازه می‌خواهند پرسشهایی را که دارند مطرح کنند.

نماینده خبرگزاری یونایتد پرس در ایران بزبان

انگلیسی سنوالی در باره نفت مطرح کرد، و شاهنشاه در پاسخ فرمودند :

ترجیح میدهم بفارسی پاسخ بگویم. البته پاسخ من بعد از بان انگلیسی و زبانهای خارجی دیگر ترجمه خواهد شد.

سوال کردید که آیا از پیشرفت مذاکرات نفت راضی هستم و اصولاً راجع باین موضوع چه فکر میکنم؟ باین پرسش در یکی دو کلمه نمیتوان پاسخ داد بخصوص که این روزها دستگاههای نیرومند تبلیغاتی بین‌المللی براههای مختلف سعی دارند در مصرف کنندگان نفت حس همدردی یا ناراحتی ایجاد کنند و چنین وانمود سازند که گویا ممالک تولیدکننده نفت هر روز وسعت بهانه‌ای پیدا میکنند تا باعث گران شدن نفت و در نتیجه پرداخت پول بیشتری از طرف مصرف کنندگان شوند در صورتیکه این شرکت‌های نفتی هستند که بجهت بندگی پرداخته‌اند و مخصوصاً می‌شنویم که ممالک بزرگ صنعتی دنیا تصمیم گرفته‌اند یاد ر فکر آنند که بکمک یا حمایت شرکت‌های نفتی بروند. اینست که ما باید در مورد نفت وضع را کاملاً روشن کنیم.

بخاطر دارم و مطمئنم ایرانیانی که در حدود ۳۰ تا ۳۵ سال دارند نیز بیادشان هست که در سالهای بین ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ و هنگامیکه تب استیفای حقوق ملت ایران از منابع ثروت خودش یعنی نفت بوجود آمده بود چه حوادثی رخ داد ، میگذریم از اینکه اشخاصی برای خراب کردن کار مدتها تربیت شده بودند و مثلاً پرچمدار این کار شدند و نتیجه کارشان هم این شد که ایران بالاچار در چاههای نفت خود رابست و حتی کارش بجایی رسید که کوشید نفت را باصطلاح «بشکه، بشکه» آنهم با ۵۰ درصد تخفیف بفروشد و حتی يك خریدار پیدا نشد و سرانجام برای آنکه لااقل حقوق کارکنان صنعت نفت را بدهند ناچار از چاپ اسکناس شدند و شرکت‌های نفتی معادل بیش از سی میلیون تن تولید آنروز ایران را بلافاصله در عراق و کویت جبران کردند و شاید هم میخواستند

چنان‌ضربه شستی نشان‌دهنده که دیگر هیچ‌مملکتی درصدد فصولی‌کردن در این‌قسمتها برنیاید و آنها بتوانند بگویند « ایران سعی‌کرد کاری بکنند و اینطور بزانو درآمد و حتی برای چند روز هم جریان طبیعی‌نفت در دنیا برهم نخورد » و اما به بینیم که همین شرکت‌های نفتی بعد از آن حوادث چه کردند... قیمت‌اعلان شده نفت در ژوئن سال ۱۹۵۷ در خلیج فارس ۲/۰۴ دلار برای هر بشکه بود. در فوریه سال ۱۹۵۹ اولین تنزل اتفاق افتاد و قیمت نفت به ۱/۸۶ دلار رسید و سپس در اوت سال بعد ۱/۷۸ دلار کاهش مجدد یافت و اگر تفاوت این دورقم را حساب کنید می‌بینید بیش از ۲۲ سنت در هر بشکه است. البته این قیمت نفتی بود که از ماه‌شهر صادر میشد و در این‌هنگام هنوز تأسیسات امروزی جزیره خارک بوجود نیامده بود ولی از موقعی که این تأسیسات ایجاد شد، بعلت نزدیکی مسافت کاهش یافتن هزینه بارگیری و قیمت حمل و نقل قیمت اعلان شده برای هر بشکه در ۱/۷۹ دلار تثبیت گردید و از سال ۱۹۶۰ (که سال تأسیس اوپک است) دیگر در قیمت‌های اعلان شده نفت تغییری داده نشده است.

جالب است که این تخفیف‌ها درست با دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ که سازمان ملل متحد آنرا باصطلاح « دهه پیشرفت » اعلام کرده بود مصادف بود.

حالا باین موضوع کاری نداریم که ایران در این مدت، علیرغم همه این‌حرف‌ها به موفقیت‌هایی که بعضی‌ها آنرا « معجزه اقتصادی » مینامند دست یافت و علت اصلی آن انقلاب سفید ایران و امکانات خاص این مملکت بود، ولی اگر درست مطالعه کنیم می‌بینیم این‌دهه پیشرفت، در حقیقت و عملاً دهه پیشرفت ممالک پیشرفته و دهه درجا زدن ممالک در حال توسعه بود.

رویه دیگری که ما از این حضرات دیدیم این بود که در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۷ نرخ لیره استرلینک به میزان ۱۴/۳ درصد تنزل یافت

و آنوقت شرکتهای نفتی عضو کنفرسیوم بابت نفتی که از اول اکتبر تا ۱۸ نوامبر ۱۹۶۷ از ایران صادر کرده بودند مبلغی در حدود ۶/۴ میلیون لیره (۴/۹ میلیون لیره بابت مالیات بردرآمد و ۱/۵ میلیون لیره بابت پرداخت مشخص به بهانه تنزل نرخ لیره) از سهم ایران کسر کردند درحالیکه آنزمان نفت از ایران صادر شده بود و این کاهش، فقط بخاطر فاصله بین تاریخ صدورنفت و پرداخت سهم ایران اعمال شد و باوجود روشن بودن حقانیت ایران مدتها در این باره مذاکره شد تا اینکه بالاخره در ژانویه ۱۹۶۸ این مبلغ را بما پس دادند و پافشاری ماسبب شد که همین کار را درباره سایر ممالک حوزه خلیج فارس نیز انجام بدهند. در این بین، در اروپا شرکتهای نفتی «ب - پ» و «شل» بهای هر گالن امپریال فرآورده های نفتی را یک پنی کاهش دادند (سوم - نوامبر) و سپس در تاریخ ۳۱ دسامبر، مجدداً قیمت هر گالن امپریال فرآورده های نفتی را یک و نیم پنی دیگر در انگلستان افزایش دادند و جمع این دو مبلغ برای هر بشکه به ۸۷/۵ سنت میرسد. بین ماه اوت تا پایان دسامبر بهای فرآورده های نفتی در سایر کشورهای غربی اروپا نیز به همین ترتیب اضافه شد که حد متوسط این افزایش از این قرار بود:

- در ۹ کشور اروپای غربی (باستثنای ایتالیا) ۸۶ سنت.

- در ۹ کشور اروپا (شامل ایتالیا) ۷۴ سنت در هر بشکه.

توضیح آنکه بهای نفت در ایتالیا افزایش نیافته بود و در نتیجه اگر مصرف ایتالیا در محاسبه منظور شود متوسط افزایش قیمتی که گفتیم کاهش مییابد.

در ۹ کشور اروپایی (باستثنای ایتالیا) و شامل افزایش قیمت برای فقط ۲۵ درصد مصرف آلمان، هر بشکه ۵۹ سنت (توضیح آنکه در آلمان قیمت فرآورده ها توسط شرکت «آرال» که ۲۵ درصد کل مصرف آن کشور را تامین میکند افزایش یافته است) در آمریکا در ماه

نوامبر ۱۹۷۰ شرکت‌های نفتی بهای نفت خمام را بشکته‌ای ۲۵ سنت افزایش دادند و در ژانین در اکتبر همان سال بهای فرآورده‌های نفتی بشکته‌ای ۲۲ سنت اضافه شد و شرکت‌های عامل نفت بعداً اعلام کردند که از اول ژانویه ۱۲ سنت دیگر بر قیمت هر بشکه فرآورده‌های نفتی اضافه خواهند شد. این دورقم جمعاً به ۳۴ سنت در هر بشکه بالغ می‌شود و باز صحبت از این است که قیمت‌ها را مجدداً بالا ببرند، ولی آیا از این افزایش قیمت‌ها بخود ما چیزی اضافه داده‌اند؟ البته که خیر..... همین تصمیمات یک‌جانبه شرکت‌های نفتی (چه در پائین آوردن قیمت‌های اعلان شده مثلاً در خلیج فارس، و چه در بالا بردن یک طرفه قیمت نفت که از آن‌حتی یک‌دینار نیز بما نمیرسد) وضعی ایجاد کرده که البته غیر قابل دوام است. ما این مطالب را در کنفرانس‌های مختلف اوپک مطرح کردیم و بتناجی نیز رسیدیم و آخرین نتیجه، در کنفرانس کاراکاس اتخاذ شده که بموجب آن ایران و عربستان سعودی و عراق برای منطقه خلیج فارس مأمور مذاکره با شرکت‌های نفتی شدند. در این هنگام ناگهان ما ملاحظه کردیم که در دنیا تبلیغات عجیب و غریبی شروع شد، شرکت‌های نفتی دور هم جمع شدند و حتی خبر رسید که دولتهای صنعتی می‌خواهند شرکت‌های نفتی را مورد پشتیبانی قرار دهند و یا بنفع آنها دست باعمال نفوذ بزنند که اگر این حرف درست باشد البته دقیقاً نمونه همان چیزی است که آنرا امپریالیزم اقتصادی و (نئوکولونیالیزم) می‌نامند که تاکنون چندبار در طول تاریخ (تاریخی که باید از آن پند و عبرت گرفت) طرز فکر و عقیده زمامداران مسئول دنیا را تحت تأثیر قرار داده و بخاطر دارم در جریان کانال سوئز نیز باز صاحبان کشتی یا باصطلاح «مصرف کنندگان این راه دریائی» دور هم جمع شدند و تصمیماتی گرفتند ولی سرانجام ناچار شدند صد درصد در برابر مصر (یعنی صاحب کانال و آب و خاک آن منطقه که البته نمیتوانست حقوق ملی خود را بدست دیگران بدهد) تسلیم شوند. مصر کانال را ملی اعلام کرد و همه

پذیرفتند و این البته جزء حقوق ملی مصر بود و عایدات سرشاری نیز از این راه پیدا کرد و ملاحظه کردیم که مصر توانست رأسا امور کشتیرانی را در کانال سوئز اداره کند و آنرا حتی برای يك ساعت متوقف نسازد.

خاطرم هست سفیر یکی از این ممالکی که در ایران منافع مهم نفتی داشت روزی بمن گفت «جای تأسف برای ایران اینست که هیچوقت مستعمره نبوده است زیرا اگر مستعمره بود میتوانست زیر-بنای لازمه را بسازد. کاملاً طبیعی است که يك سوم عایدات نفت را شما (یعنی ایران) ببرید، يك سوم را شرکت نفتی و يك سوم را هم ما (یعنی مملکتی که شرکت نفتی متعلق به او بود).

این مطلبی بود که آن سفیر خارجی بمن گفت و من چند جمله قصار شنیده ام و یکی از آنها نیز همین بود که اشاره کرده ام.

البته اینگونه افکار اکنون دیگر خیلی قدیمی و کهنه شده است و چیزی که ما مایلیم برای افکار عمومی دنیا کاملاً روشن شود اینست که روی چه حسابی ایران بابت هربشکه نفت خود کمتر از يك دلار عایدی دارد و آنوقت مصرف کننده اروپایی بعضی اوقات حتی تا ۱۴ دلار باید برای هربشکه فرآورده نفتی بپردازد.

البته مانمیگوئیم که تمام این ۱۳ دلار تفاوت، بجهت شرکتهای نفتی می رود بلکه زیادی واسطه، هزینه حمل و نقل، هزینه پخش، مخارج پالایش و تبدیل نفت به فرآورده های مختلف و مراحل متعدد دیگر و صدها هزار نفری که در همه این مراحل مشغول کارند و البته از این راه زندگی میکنند (و میدانید که در آنجا، حقوقها زیاد و سطح درآمد سرانه بالا است) همه از عوامل گرانی مواد نفتی هستند و در این میان مالیاتی که دولتهای پیشرفته صنعتی برای فرآورده های نفتی وضع میکنند خود عامل مهمی است. خوب بخاطرم هست که سه سال گذشته در جایی دیدم که میزان درآمد یکی از همین ممالک پیشرفته و صنعتی اروپا از محل

مالیاتی که از نفت میگیرد، از جمع کل عوایدی که ایران از محل فروش ثروت نفتی خود دارد بیشتر است. با اینهمه «اینها» با اصطلاح سرود یاد میدهند که گویا ممالک تولیدکننده نفت هر روز اسباب زحمتند و بمردم کشورهای خودشان اینطور جلو میدهند که بعلت همین رفتار ممالک تولیدکننده نفت آنها ناچارند هر روز پول بیشتری بپردازند. خوبست اینها روشن کنند که در این معامله مملکتی که نفت تولید میکند و حداکثر تا ۵ سال دیگر این منبع ثروت خود را از دست میدهد چقدر درآمد دارد، شرکتهای نفتی چقدر بدست میآورند، واسطه‌ها چقدر سهم میبرند و بالاخره دولتهای خودشان چقدر مالیات وصول میکنند؟ اتفاقاً من بیک نفر میگفتم این چه وضعی است که دولتها اینقدر مالیات میگیرند روی قیمت نفت میکشند و غیر مستقیم تبلیغات بضرر ممالک تولیدکننده میکنند، گفت خوب بالاخره آنها باید طوری خزانه خودشان را پر کنند، گفتیم آنها دوهزار صنعت مختلف دارند که میتوانند خزانه خود را از راههای دیگر پر بکنند صرفنظر از ایران که امکانات دیگری دارد بعضی ممالک تولیدکننده نفت ممر درآمدشان نفت است پس آنها چه شکلی خزانه خود را پر کنند بهرحال در این کنفرانس اوپک مامامور شدیم برای تعیین تکلیف نفت خلیج فارس مذاکراتی بکنیم بمامیگویند ملایم هستید، ملایمت ما بهیچ چیز جز عقل و منطق نباید تعبیر شود اگر ملایم هستیم روی اصل منطق است، روی اصل منافع ایرانی است اگر سخت هستیم باز هم بهمان دلیل است دلیل منطق و دلیل منافع ایران بهر صورت ما همه میفهمیم که مثلاً نفت حوزه خلیج فارس را در اروپا نمیتوان بگرانی نفت لیبی و الجزایر فروخت زیرا موضوع حمل و نقل در میان است و احیاناً موضوع کیفیت نفت که گوگردش کم و یا زیاد و یا نفت سبک و یا سنگین باشد همانطور که لیبی و الجزایر نمیتوانند نفت خود را بقیمت نفت ایران به ژاپن بفروشند و طبیعی است که خلیج فارس با دریای مدیترانه یا خلیج مکزیک از

این لحاظ فرق دارد. کاری که ماسمی میکنیم انجام بدهیم اینست که به کمپانیها بگوئیم این جبهه‌ای که شما بسته‌اید و میگوئید با همه صاحبان نفت يك جا صحبت کنیم و دريك روز باهمه يك قرارداد واحد ببندیم حرفتان بیشتر جنبه شوخی دارد و یا قصدتان اتلاف وقت است (البته هر قدر باین طریق اتلاف وقت کنند آن اضافه قیمت‌هایی که بالاتر گفتم بجیب آنها می‌رود و بما چیزی نمی‌رسد بخصوص که گفته‌اند موضوع پرداختهای مربوط بتاریخ عقب افتاده را نخواهند پرداخت).

این روش اتلاف وقت و سرگرداندن و یا ایجاد اختلاف و شکاف است، حرف ما اینست که شرکت‌های نفتی نمیتوانند در مورد این سه حوزه يك جا و یکسان رفتار کنند، حرف ما اینست که بیائید بنشینیم و ببینیم حق ممالک حوزه خلیج فارس که بزرگترین حوزه نفتی دنیا را با پانزده میلیون بشکه تولید روزانه تشکیل میدهند و با حوزه‌های دیگر قابل قیاس نیستند چقدر است شما تکلیف این حوزه‌ها را معلوم بکنید و حقوق حقه ما را بدهید بنشینیم با هم صحبت کنیم بالاخره به يك رقم عادلانه‌ای خواهیم رسید ما حتی به آوانتاژهای بخصوصی نیز که احیاناً به آن ممالک داده شود حسادت نمیکنیم و بهانه نخواهیم گرفت ما حاضریم حتی همانطور که خود شرکت‌های نفتی پیشنهاد کردند برای مدت پنج سال قرارداد ببندیم بشرط آنکه آنها نیز متقابلاً قیمت‌ها را بالا نبرند و قیمت‌های اعلان شده برای خلیج فارس با قیمت‌های بین‌المللی تطبیق کند. باز (بشرط آنکه در ظرف این پنج سال بهای اجناسی مانند فولاد و پنج یاشش کالای دیگر که در هزینه زندگی تأثیر دارد تغییر نکند) و بهای اعلان شده نفت خلیج فارس با ارقام و اندکس قیمت‌های بین‌المللی تطبیق داشته باشد و بهر حال اگر قرارداد پنج‌ساله می‌خواهند باید این دو شرط در آن قید شده باشد، تطبیق قیمت نفت با اندکس‌های اصلی بین‌المللی - خودداری از بالا بردن قیمت‌ها .

تا آنجا که من اطلاع دارم گویا هزینه زندگی در انگلستان

ظرف دهسال اخیر ۳۹/۷ و در آمریکا ۲۴/۹ بالا رفته است ولی بطوریکه خودشان میگویند ارزش دلار آمریکائی در سال ۱۹۷۰ معادل ۷۳ سنت (بتناسب قدرت خریدما) کاهش یافته و بعبارت روشتر قدرت خریدما از لحاظ سنت کمتر شده اما در همان حال زندگی هم آنجا بالا رفته است و نتیجه این امر را سهولت میتوان دریافت، و حاصل آنکه ممالکی غنی تر میشوند و ممالک دیگر یا در همان حال که هستند میمانند و یا چون روز بروز جمعیت بیشتری پیدا میکنند طبعاً فقیر تر میشوند و سرانجام روزی خواهد رسید که این عدم توازن، بانفجار خواهد انجامید.

مختصر آنکه ما حاضریم درباره قیمت نفت بريك اساس عادلانه صحبت کنیم و باز تکرار میکنم منظور ما این نیست که چون مایک دلار بدست میآوریم و عایدی شرکتهای نفت ۱۴ دلار است، پس میانگین آن ۷ دلار خواهد بود و در نتیجه ما باید درباره همان ۷ دلار صحبت کنیم. بلکه منظور ما اینست که بنشینیم صحبت کنیم و با توجه بجمعیت جهات برای نفت بهای عادلانه ای تعیین کنیم.

و اما مطلب دیگری که باید خاطر نشان کنم و مربوط به مردم کشور های پیشرفته و صنعتی است اینست که آنان نباید گرانی محصولات نفتی را بگردن ما تولید کنندگان نفت بگذارند اگر نفت گران بدست آنها میرسد باید برای آنها روشن شود که تقصیر از ما نیست. ما حاضریم قرارداد ۵ ساله امضاء کنیم، حتی حاضریم از مطالبه هر پول یا امتیازات اضافی که شرکتهای نفتی بحوزه های نفتی دیگر مانند لیبی و الجزایر احتمالاً خواهند داد خودداری کنیم زیرا خود میدانیم که موقع جغرافیائی خلیج فارس بانقاط دیگر فرق دارد اما اگر بخواهند روی نظریات خودشان پافشاری کنند و باین تصور باشند که کارتل هستند و نفوذ ممالک بزرگ صنعتی یعنی امپریالیزم صنعتی و نشو کولونالیزم حامی آنهاست و تصور کنند که تاریخ تکرار میشود، ناچارم اخطار کنم که اشتباه میکنند. امروز شرایط سال ۱۹۵۱ دیگر وجود ندارد. در ایران دیگر کسی زیر پتو

نخزیده و خود را در اطاق زرهی محبوس نکرده، نه در عراق و کویت همان افراد هستند و نه در لیبی و الجزایر و نه در هیچکدام از ممالک تولیدکننده نفت، آیا می‌خواهید با همه کشورهای تولیدکننده نفت یک جا قرارداد ببندید؟ بسیار خوب، اما اینکار بکجا خواهد انجامید؟ آنوقت مائی که شما می‌گوئید ملایم و عاقل، هر چه دلتان میخواهد ما ناچار پشت سر آن کسی که از همه بیشتر میخواهد خواهیم رفت و از حالا می‌گوئیم که خواهیم رفت و خواهیم گفت که آنچه در مورد ونزوئلا عملی شده است باید در مورد همه عملی شود زیرا شما نمیتوانید بگوئید که کشوری بنام ونزوئلا مستقل و دارای حق حاکمیت است و میتواند هر کار که خواست بکند اما اینکار را ایران نمیتواند بکند، یا کویت و عربستان سعودی و عراق و دیگران نمیتوانند بکنند. مگر میتوان گفت که فلان مملکت صد درصد مستقل است یا فلان مملکت دیگر ۹۵ درصد؟ استقلال از لحاظ حقوق سیاسی و بین‌المللی کاملاً یکسان است و حالا اگر شرکت‌های نفتی مایلند که با همه ما یکجا صحبت کنند و یک جا قرارداد ببندند ما همه تصمیم می‌گیریم سیستم ونزوئلا را بپذیریم. البته در حال حاضر مذاکرات ادامه دارد و کارشناسان در سطح پائین‌تر از روسا، سرگرم مطالعه‌اند، قرار است روز پنجشنبه جلسه در تهران تشکیل شود، بهر حال شرکت‌های نفتی تاروسوم فوریه که جلسه اوپک در تهران تشکیل خواهد شد وقت دارند در باره تصمیمات کنفرانس کاراکاس که بوسیله ایران و عربستان سعودی و عراق مورد مذاکره با آنها است فکر کنند تا ماسه کشور، بتوانیم به اوپک گزارش بدهیم که ماموریت خود را تا باینجا رسانده‌ایم و البته اگر مذاکرات بجایی نرسد کنفرانس اوپک تشکیل خواهد شد و فکر میکنم که نتیجه‌اش این باشد که همه ما بگوئیم بسیار خوب همه ما روش ونزوئلا را انتخاب خواهیم کرد.

امکان قطع جریان نفت

رئیس خبرگزاری آسوشیتدپرس در ایران سؤال کرد که آیا از نظر شاهنشاه این امکان هست که اصولاً جریان نفت قطع بشود؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند: این البته بسته به تصمیمی است که کنفرانس اوپک در تهران بگیرد این حرفی که زدید تازگی ندارد قبلاً زده شده و مورد مطالعه قرار گرفته است و ایران هر چه را که اکثریت تصمیم بگیرد دنبال خواهد کرد. اگر بازهم عده‌ای فکر بکنند که ایران بطور روزمره بدرآمدنفت محتاج است و بعلمت احتیاج خود حتماً خواهد کوشید دیگران را از اینکار منصرف کند باز اشتباه میکنند (هر چند که بعضی ممالک تولید کننده نفت آنقدر در بانکها ذخیره دارند که میتوانند شاید تا ۴ سال بدون نیاز و حتی یک دلار از درآمد نفت خود زندگی کنند و در مخارج خویش کوچکترین تغییری ندهند). اگر ممالک تولید کننده نفت کوچکترین شکستی بخورند باید فاتحه اوپک را خوانند و آنوقت دیگر کشورها جرأت نخواهند کرد دورهم جمع شوند و با اصطلاح در مقابل این «غولها» قدام کنند.

یادم هست هنگامیکه ما شروع به بستن قراردادهای جدید معروف به ۲۵-۷۵ کرده بودیم، شخصی که مرحوم شده و خداوند او را بیامرزد بمن گفت «از این سلاطین نفت بترسید که چنین و چنان میکنند».

من از آنها نیستم که مانند سابق هراتفاقی در مملکت میافزاد میگفتند صد درصد کار انگلیسهاست و یا حالا هراتفاقی بیافند فکر کنم که

کار شرکتهای نفتی است ولی موقعی که خود با اینها درافتادیم مظاهری از اینها پیدا شد ، بعد از انتشار کتاب من (ماموریت برای وطن - در سال ۱۹۵۹) دیدیم در ایران که کاملاً کشور آرامی بود رفته رفته جریاناتی و هیاهویی پیش میآید یکدفعه دیدیم بعضی دولتهای خارجی که در تمام مدت جنگ دولت تشکیل میدادند وکیل انتخاب میکردند و هر روز از حکومت انتخابی آنها با حکومت نظامی توأم بود ناگهان دلشان برای دیکراسی ایران سوخت و دفعتمساً در انگلستان کنفدراسیون و انجمن دانشجویان ایرانی درست شد و غیره و غیره حالاً شاید همه اینها تصادفی بیش نیست و برای آنکه پاسخ شمارا تکرار کرده باشم میگویم موضوع قطع جریان نفت یکی از مطالبی است که مسلماً مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

دورنمای تحولات

در این هنگام یکی از مدیران جراید استدعا کرد که شاهنشاه نظر خود را درباره دورنمای تحولات جاری کشور بیان دارند و معظم له در پاسخ چنین فرمودند :

من تا بحال درباره این موضوع بکرات صحبت کرده‌ام و شاید عده‌ای بین شما هستند که کتاب (انقلاب سفید) را خوانده‌اند و از نظریات من و فلسفه انقلاب ایران آگاهند، اساس پیشرفت‌های انقلابی ما بر چند اصل استوار است و این اصول قابل تغییر نیست. مثلاً زمینی که بر اساس اصلاحات ارضی ایران بکشاورز ایرانی داده شده است دیگر از او پس گرفته نمیشود و تنها کاری که میتوان کرد اینست که آن زارع را با

زمینش در تعاونیها جمع کنیم تا واحد بزرگتری زیر کشت قرار بگیرد و طرح ریزی دامنه دارتری میسر گردد و بتوان ماشین آلات بیشتری را مورد استفاده قرارداد. و یا آنکه کشاورز عضویت شرکت های سهامی زراعی را بپذیرد و زمین خود را به سهام شرکت تبدیل کند، کما اینکه تاکنون بیست شرکت از این نوع در ایران تاسیس شده است و درآمد هر یک از اعضای شرکتها در عرض یکسال به حدود سه برابر درآمد او قبل از تشکیل شرکت رسیده است. دیروز شخصی بمن میگفت در جایی خوانده است که گویا در انگلستان سمیناری از کشاورزان تشکیل شده و در آن تقاضای تشکیل شرکتهائی از نوع شرکتهای سهامی زراعی مطرح گردیده است. وقتی که درباره همین موضوع بادوستان خود در ممالک کمونیستی اروپا صحبت میکردیم بکرات از آنها نیز شنیدم که به نهضت تعاونی زراعی ما ابراز علاقه میکردند و از ما میخواستند نتیجه تجربیات و فعالیتهای خود را در این زمینه برای آنها بازگو کنیم. طبیعی است که این اصل انقلاب ایران لایتغیر است و تنها تغییری که میتواند بکند ایجاد واحدهای بزرگتر زراعی بوسیله شرکتهای سهامی یا تعاونی در عین استفاده از تکنولوژی جدید و پیشرفتهای دانش کشاورزی است. موضوع دیگر اینست که ثروتهای طبیعی که انسان در ایجاد آنها سهم و دخالتی ندارد نمیتواند مورد مالکیت فردی قرار بگیرد بلکه باید متعلق به جامعه و جامعه نیز آنرا بوسیله نمایندگان خود یعنی دولت اداره کند مانند جنگلهای طبیعی، البته اگر کسی، ثلاده یا بیست هکتار زمین داشته باشد و در آنجا درخت بکارد، این مطلب دیگری است اما جنگلهای طبیعی که خداوند ایجاد فرموده است باید به جامعه تعلق داشته باشد. باین ترتیب اصل ملی کردن جنگلها و مراتع نیز لایتغیر است، گویا اینکه در آینده از لحاظ مراتع ما باید بادید جدیدی بمطاب نگاه کنیم، مراتع موجود در کشور ما متعلق بدورانی است که جمعیت ایران ده میلیون نفر بود و سی یا چهل میلیون گوسفند وحشم برای تأمین

خوراک و حتی صادرات آن ده میلیون نفر کافی بود ولی اکنون جمعیت ایران سی میلیون نفر است و این جمعیت قدرت خریدی معادل دهها برابر زمان سابق دارد ، اکنون گوشت تقریباً غذای عادی مردم شده و اگر سابقاً کسی ماهی یکبار گوشت میخورد امروز لااقل یک وعده از غذای روزانه او را گوشت تشکیل میدهد و حال آنکه مراتع ایران برای بیش از چهل میلیون گاو و یواگوسفند کافی نیست و ما اکنون بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون گاو و گوسفند داریم که سی میلیون آن زیادی است .

مراتع کشور باید حفظ شود زیرا اگر این کار نشود همه مراتع مبدل به خاک خواهند شد و فرسایش خاک نیز خود موجب بلایائی میشود که اندازه ندارد بخصوص در آبریزهای حوزه های سدها .

در جلسه سازمان برنامه باین نکته اشاره کردم که تاکنون سیصد میلیون تن سنک و گل ولای در سدی که بنام من است جای گرفته و یکی از عللش که چیزی مانع سرازیر شدن آب و باران به مخازن سدها نیست و بوته ها و علفها نیز که میتواند جلوی جریان گل ولای را بگیرد بوسیله گاو و گوسفند مخصوصاً بز از بین رفته است . از این روست که مراتع ایران ملی شده است اجازه استفاده برای دامداری نیز بکمترین حدی که امکان دارد کاهش داده خواهد شد . ما برای تامین علوفه لازم جهت دامداری باید به زراعت علوفه پردازیم .

همینطور صنایع سنگین که در قیمتتها موثرند مانند نفت که البته همیشه ملی خواهد بود - یا ذوب آهن و پتروشیمی و گاز (هر چند که مشتقات آنرا میتوان به بخش خصوصی واگذار کرد زیرا مواد اولیه آن که نفت و گاز باشد در دست وزیر کنترل همیشگی دولت است و تأثیری در قیمتتها ندارد) و برق و آب همیشه متعلق به جامعه خواهد بود .

شاید ما یکی از ممالک نادر دنیا باشیم که همه منابع آبهان ملی شده است . اینها همه اصولی است که مسلماً تغییر نخواهد کرد ولی ما آنقدر انعطاف داریم که عاشق خویشتن نباشیم و فکر نکنیم که هر چه مامیگوئیم

صحيح است ، تغييرات سريع تكنولوژى هر يك سال يا دوسال اصول زندگى را زيرو رو ميكند مثلا ماشين حساب هاى امروز با ماشين حساب هاى اوليه چقدر تفاوت دارديا موضوع استفاده از اتم يا ليزر و ما آنقدر انعطاف داريم كه كارهاى عادى و روزمره وحتى امور تكنولوژى و فنى خود را پيوسته با پيشرفت هاى فنى و تكنولوژيك دنيا تطبيق دهيم و جامعه ما بر اساس صحيحى كه اكنون دارداز همه اين پيشرفتها و اختراعات استفاده خواهد كرد. يكي از دانشمندان بزرگ متخصص در امور مربوط به اشعه «ليزر» يك ايرانى است بنام «دكتور جوان» كه فعلا در آمريكا كار مى كند و انسان فوق العاده ايست و بكشفيات بزرگى دست يافته است. ما اكنون نميتوانيم از او بخواهم كه به ميهنش باز گردد زيرا وسائلى نداريم كه در اختيارش بگذاريم تا او بتحقيقات و كشفياتش ادامه بدهد .

بهر حال اصول و اساس فلسفه اجتماعى ما تغييراتى نخواهد كرد، مثلا اصل ملي بودن جنگلها لايتغير است و در هيچ زمينه اى مانند نفت يا پتروشيمى و نظاير آن تكنولوژى مدرن همچگونه تغييرى نميتواند در اين اصول بدهد .

و اما در مورد اصول انقلاب سفيد ايران و نتايج اجراى اين اصول، البته آمار و ارقام مستندى در دست است كه ميتوان بآنها مراجعه كرد اما شايد قبل از هر چيز بايد به اين نتيجه معنوى انقلاب ايران اشاره كرد كه اين انقلاب به ايران و ايرانى شخصيت و حيثيت تازه اى بخشيده است . انقلاب ايران فتوداليسم را از بين برده و يك مملكت قرون وسطائى را در فرصتى کوتاه بكشورى شايسته زندگى در قرن بيستم مبدل ساخته است و ميخواهم بگويم قوانينى كه در ايران بتصويب رسيده و مجرى است و بخواست خداوند تا آخرين كلمه آن اجرا خواهد شد و مخصوصا روح قانون بمرحله اجرا و عمل در خواهد آمد ، قوانينى است كه از قوانين بسيارى ممالك پيشرفته جهان مترقى تر است .

حاضریم بحث و مقایسه کنیم تا ملاحظه شود آنچه در این باره میگویم ادعا نیست .

با اصلاحات ارضی که یکی از اصول اساسی انقلاب سفید ایران است موجبات مالکیت بیش از سه میلیون خانوار کشاورز با تقریباً پانزده میلیون عائله فراهم شده و براساس قانونی که هم اکنون در مجلسین مورد بررسی نهائی است از آغاز مهرماه سال ۱۳۵۰ در ایران زارعی که مالک نسق زراعتی خود نباشد وجود نخواهد داشت. تا آن تاریخ بیش از هشت هزار و دویست شرکت تعاونی با عضویت بیش از یک میلیون و پانصد هزار خانوار کشاورز در نقاط مختلف مملکت تشکیل شده است و بیست شرکت سهامی زراعی و دویست و بیست خانه فرهنگ روستائی نیز ایجاد گردیده است.

اگر خانه‌های انصاف و انجمنهای روستائی و شرکت فعالانه روستائیان ایران در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور یعنی استفاده از حق رأی و اظهار عقیده در شرکت سهامی، شرکتهای تعاونی و انجمنهای ده و بالاتر از آن انجمنهای استان و شهرستان و بالاخره سنا و مجلس شورایی ملی را نیز به حساب آوریم به عمق اصلاحات ارضی ایران پی خواهیم برد، بر شمردن اثرات سپاهیان انقلاب در زندگی روستاها از حوصله توضیحات چند دقیقه‌ای خارج است و باید رفت و بجشم دید و از قضا یکی از وظایف مهم مطبوعات و دستگاههای اطلاعاتی و خبری ما انعکاس همین حقایق است و انشاء الله از این پس بیشتر باین موضوع توجه خواهند کرد.

در قسمت آموزش و پرورش ارقامی جالب تر در اختیار داریم: در سال ۱۳۴۱ تعداد کل دانش آموزان ابتدائی و متوسطه و مدارس حرفه‌ای ما نزدیک به دو میلیون نفر بود در سال ۱۳۴۹ سه میلیون و چهارصد هزار دانش آموز در مدارس ابتدائی و یک میلیون و ده هزار دانش آموز در مدارس متوسطه و سی و شش هزار دانش آموز و هنرچو در مدارس حرفه‌ای

وشش هزار نفر در انستیتوهای تکنولوژی و شش هزار نفر در دانشسراهای تربیت معلم و بیست هزار نفر در کودکانستانها سرگرم تحصیل بوده‌اند که جمع آنها به بیش از پنج میلیون نفر (یعنی تقریباً دو برابر و نیم رقم مربوط بسال ۱۳۴۱) میرسد . در سال ۱۳۴۱ تعداد دبستانها و دبیرستانها و مدارس حرفه ای مجموعاً چهارده هزار باب بود و در سال ۱۳۴۹ تعداد دبستانهای عادی به سی هزار، تعداد دبستانهای سپاه دانش به ۲۲ هزار، تعداد دبیرستانها به پنج هزار، تعداد هنرستانهای حرفه‌ای به ۳۲ و تعداد انستیتوهای تکنولوژی به ۱۴ (مجموعاً بیش از پنجاه و هفت هزار) رسید در سال ۱۳۴۱ تعداد کل دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی کشور بیست و چهار هزار و پانصد نفر بود و این رقم در سال ۱۳۴۹ به هفتاد و سه هزار نفر رسید .

از سال ۱۳۴۱ تا سال جاری سی و شش دانشگاه، دانشکده و مدرسه عالی تأسیس شده ، کمک هزینه دولت به مؤسسات آموزشی عالی در سال ۱۳۴۳ دو میلیارد ریال و در سال ۱۳۴۹ شش میلیارد ریال بوده .

در زمینه سپاههای انقلاب، نتیجه فعالیت سپاهیان از درخشان-ترین مظاهر ایران است و آنان بصورتی عمل کرده‌اند که شهرت بین‌المللی یافته‌اند و همین موجب شده که سازمان ملل متحد پیشنهاد ما را برای ایجاد لژیون خدمتگزاران بشر بپذیرد، البته اساس پذیرش این فکر، خود فکر بود اما شاید نتیجه کار سپاهیان انقلاب در قبول این نظریه بی تأثیر نبوده باشد .

ظرف هشت سال گذشته جمعاً هفتاد و چهار هزار سپاهی دانش (شامل هفت هزار سپاهی دختر) در این خدمت بزرگ ملی شرکت کرده‌اند و هم اکنون نیز سیزده هزار دختر و پسر سپاهی سرگرم خدمت‌اند. (اینها در ۲۲ هزار دبستان سپاهی خدمت میکنند) در همین مدت هزار و هفتصد و پنجاه و پنج پزشک و ۶۹۵ دامپزشک و داروساز و ۵۰۱۷۹ دیپلمه در

۵۱۶ واحد سپاه بهداشت در روستاها خدمت کرده‌اند. تعداد افراد سپاه ترویج و آبادانی در این مدت شش هزار و هفتصد و هفتاد و پنج نفر بوده است که هزار و ششصد و هفتاد و نه نفر لیسانسیه و چهار هزار و هشتصد و نود و شش نفر دیپلمه بوده‌اند و هم اکنون نیز ۵۸۷۳ نفر نیز در روستاها سرگرم خدمت هستند و در این سپاه جمعاً ۱۲۳۵۸ نفر خدمت کرده‌اند.

تأثیر خدمت این سپاهها در پیشرفت مناطق روستائی ما حقیقتاً حیرت‌آور بوده است.

روستائیان، دختران سپاهی ما را « فرشته سعادت » می‌نامند و بچوانان سپاهی احترام فراوان می‌گذارند و همه مراجعات آنها به سپاهیان است که مورد اعتماد روستائیان قرار دارند زیرا با از خود گذشتگی و فداکاری خدمت میکنند .

يك اصل مهم دیگر انقلاب ما سهم کردن کارگران در سود ویژه کارخانه‌هاست . بسیاری از ممالک خواسته‌اند به چنین کاری دست بزنند یا موفق شدند یا نشدند مثل اینکه پیش‌شان این کار را نکردند ولی نتایجی که ما از این کار گرفته‌ایم بسی جالب است: در حال حاضر یک میلیون و ششصد هزار کارگر حقوق بگیر و دستمزد بگیر در ۲۲۷۰ کارگاه که پرداخت سود سهام ویژه در باره‌شان اجرا شده مشغول بکارند و ۳۲۲ سندیکای ثبت شده کارگری و ۱۴۱ سندیکای ثبت شده کارفرمایی تشکیل شده است. تنها در سال جاری یکصد و شصت هزار کارگر از فورمول سهم شدن کارگران در سود کارگاهها بهره‌مند شده‌اند و بطور متوسط بین ۴۰ تا ۴۵ روز حقوق بابت سهم خود از سود ویژه کارگاهها دریافت داشته‌اند و این رقم در بعضی جاها از نود روز هم بیشتر است. در این زمینه هدف اولیه ما اینست که کارگران بتوانند در عرض سال معادل ۶۰ روز حقوق خود را بمعنوان سهم‌شان از سود ویژه کارخانه‌ها دریافت کنند و شاید بعدها این رقم بازم افزایش یابد و همانطور که گفتم ، بهر تناسبی

که کارگاهها مدرنیزه شوند و سطح تولیدشان افزایش یابد بهمان میزان درآمد کارخانه و در نتیجه بهمان تناسب سهم کارگر افزایش خواهد یافت ، اضافه بر اینکه مزد کارگر نیز طبیعتاً بالا خواهد رفت .

در این میان یکصد هزار نفر از کارگران بخش دولتی که نمی-توانستند مشمول مقررات باشند سهم خود را بصورت پاداش دریافت داشتند. برای واحدهای از صد نفر به بالا، طبقه بندی مشاغل بصورت اجباری درآمده است تا نظم دستمزدها در کارگاهها کنترل شود. در این مدت بیش از هشتصد هزار کارگر بیمه شده‌اند و با بیش از سه میلیون نفر اعضای خانواده های خود از مزایای بیمه استفاده میکنند .

همانطور که در فرصتهای قبلی یادآوری کرده‌ام فلسفه انقلاب ما اینست که اکثریت مردم ایران از مزایای انقلاب برخوردار باشند. در نخستین مراحل زارعین ایرانی و در مراحل بعدی کارگران که دومین اکثریت بزرگ ملت ایران را تشکیل میدهند از مزایای انقلاب مستقیماً بهره‌مند شدند. البته در آینده که مملکت صنعتی میشود ممکن است این تناسب عوض شود و اکثریت مردم ایران را کارگران تشکیل دهند، ما همیشه منافع و زندگی و رفاه کارگران را در نظر داریم و این توجه روز بروز بیشتر میشود. کاری که ابتدا باید بکنیم اینست که مطمئن شویم آن ۲۰ درصد سود کارگران از منافع ویژه کارخانه‌ها حتماً وصول میشود و حتماً بدست کارگران میرسد. از سوی دیگر باید برای تقویت هر چه بیشتر تعاونها بکوشیم زیرا وقتی يك کارگر ناساچار است برای يك آپارتمان کوچک پنج یا شش هزار ریال کرایه بپردازد و وقتی مجبور است احتیاجاتش را دویست تا سیصد درصد گرانتر بخرد چه اثری دارد که مزدش بیشتر شود و معادل ۲ یا ۳ یا ۴ ماه حقوق خود را از راه سهمی بودن در سود کارخانه‌ها دریافت کند؟ چه اثری دارد که

از طرفی بکسی اضافه بدهند و بعد آن شخص ناچار باشد قدری بیشتر روی دریافتی خود بگذارد و خرج مسکن و احتیاجات اولیه خود کند. پس ما باید آن قسمتها را کنترل کنیم و ابتدا به مسکن و احتیاجات اولیه برسیم. با اینحال قابل یادآوری است که در این دهه، ایران از لحاظ رشد اقتصادی و تولیدات صنعتی و درآمد سرانه موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته‌است درحالی‌که هزینه زندگی در دوران تحول انقلابی شاید از پائین‌ترین اندیکس‌های بین‌المللی باشد. در قسمت بهداشتی، در سال ۱۳۴۱ تعداد تختها در بیمارستان‌های سراسر کشور بیست هزار بود و این رقم در سال ۱۳۴۹ به ۳۵ هزار رسید.

در سال ۱۳۴۱ تعداد درمانگاهها در سراسر مملکت یک هزار و یکصد بود و در سال ۱۳۴۹ به ۲۵۰۰ باب بالغ شد. در سال جاری نسبت پزشکان در روستاها و بخشها که در سال آغاز انقلاب فقط ۳ در صد کل پزشکان کشور بود به ۲۲ در صد رسیده است. در سال ۱۳۴۱ تعداد جمعیت روستائی که قادر به استفاده از خدمات درمانی بودند از یک میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد و این رقم در سال ۱۳۴۹ به هشت میلیون نفر رسید و تا این تاریخ ۴۳ هزار گروه اختصاصی یا واسطه برای تنظیم خانواده تعلیم دیده‌اند و ۱۳۷۸ درمانگاه بهداشتی و تنظیم خانواده ایجاد شده‌است که نیمی از آنها در روستاها مستقر است. ما برای امر تنظیم خانواده اهمیت فراوان قائلیم و با آنکه در این راه با اصطلاح تازه کار هستیم، نمایندگان سازمانهای بین‌المللی که بایران می‌آیند بما تبریک می‌گویند و ضمن تائید اقدامات مان وعده می‌دهند که هر کمکی بخوایم در اختیارمان قرار خواهند داد.

در حقیقت یکی از خطرهایی که دنیا را تهدید می‌کند افزایش سریع جمعیت است که ممکن است در پایان این قرن به حد انفجار برسد. در جایی می‌خواندیم که بعقیده یکی از صاحب نظران، هرگاه جمعیت دنیا کنترل

نشود بشریت ممکن است تا پایان قرن حاضر حتی بامسئله آدم‌خواری (آنهم از نوع اجباری آن) مواجه گردد. البته از لحاظ کشاورزی و تأمین غذای بیشتر تغییرات فراوانی در دنیا بوجود آمده است و باصطلاح «انقلاب سبز» ایجاد شده، و حتی سرزمینی مانند هند که همیشه گرفتار کم‌غذائی بوده و از این لحاظ سختی فراوان کشیده است شاید بتوانسته بسا شد نیازمندیهای خویش را برآورده سازد و این پیشرفت بزرگی است.

ما نیز امیدواریم که بتوانیم در زمینه کشاورزی فعالیتهای درخشانی در کشور خود داشته باشیم و خوشبختانه امکاناتی استثنائی در اختیار داریم، مثلاً خوزستان ما از این لحاظ سرزمینی کاملاً مستعد است ولی ماعلاوه پرخوزستان، دشت مغان و دشت قزوین و خراسان و نقاط دیگر را نیز در اختیار داریم.

ساختمان سد شاه‌عباس کبیر در اصفهان تأثیر مهمی خواهد کرد. کشاورز اصفهانی شاید بهترین زارع ایرانی باشد که زحمت میکشد و کار میکند. شاید بوسیله سد شاه عباس کبیر بتوانیم نود هزار هکتار به اراضی زیرکشت اصفهان اضافه کنیم.

در فارس نیز مناطق مستعدی هست. در بلوچستان امکانات فراوان است و در آب و هوای آنجا خاصیت و شرایطی است که تولیدات کشاورزی ارقام تقریباً نجومی پیدا میکند و معروف است که میگفتند در سابق يك تخم میکاشتند و ۴۰۰ تخم بر میداشتند و مشغول مطالعه هستیم که در آنجا در کدام نقطه میتوان سد بست و شاید این محل مناسب، «باهرکلات» باشد. امکانات دیگری نیز وجود دارد. جیرفت را میتوان توسعه داد. سیستان را میتوان از وجود يك شبکه آبیاری صحیح بر خوردار کرد. نقاط بسیاری دیگری نیز هست که با استفاده صحیح از آنها ایران نه فقط جمعیت سی میلیونی امروزی خود بلکه شاید بتواند در حدود پنجاه میلیون نفر جمعیت را سیر و بر خوردار از غذای کافی نگهداری

کند و در عین حال بتواند تا حدودی به جبران کمبود مواد غذایی دنیا نیز کمک موثری کند .

در سال ۱۳۴۱ تعداد پزشکان در کشور ما ۴۵۰۰ نفر بود و در سال ۱۳۴۹ تعداد آنها به ۸۰۰۰ نفر رسید. در سال ۱۳۴۱ هزار و نهصد پرستار و ماما در کشور سرگرم کار بودند و تعداد آنها در سال ۴۹ به ۳۵۰۰ نفر رسید. تعداد بهاران که در نخستین سال انقلاب ۷۵۰ نفر بود در سال جاری به ۷۰۰۰ نفر رسیده است و این تفاوت مهمی است. بودجه مستمر بهداشتی (معادل دو میلیارد ریال که پیش‌بینی کرده بودند) حالا به ۱۴ میلیارد ریال رسیده است. تا این تاریخ ۳۱۶۴ خانه انصاف و ۱۱۶ شورای داور در شهرها و ۱۰۸۰ سپاهی خدمات دادگستری (در حین خدمت یا آموزش) بکار پرداخته‌اند.

البته حالا صحبت‌هایی هست یکی اینکه بعضی افراد تحصیل کرده (البته بیشترشان تحصیل کرده خارج که بعضی از ادارات ما بما می‌گویند به آنها احتیاج قطعی و حیاتی دارند) بعد از آن خدمت اولیه مأمور آن دستگاهها شوند. مثل وزارت خانه‌ها و بعضی از اوقات هم حتی به شرکت‌های خصوصی. بعید نیست که در آینده مایک سپاه دین هم ایجاد بکنیم تا اگر بین این طلاب علوم دینی کسانی باید به خدمت نظام وظیفه بروند این خدمت را انجام دهند. (البته ما ترجیح می‌دهیم که اگر سپاه دین تشکیل دادیم این‌ها را به آن سپاه بفرستیم زیرا بهمان اندازه‌ای که ما می‌گوئیم کار دولت از کار مذهب جداست و اختلاطش را دیدیم چند سال پیش که چه نتایجی داشت) و به همان تناسبی که در آن قسمت سخت‌گیری بکنیم و کار دین را از دولت جدا می‌کنیم به همان تناسب مردم را به دین‌داری تشویق می‌کنیم زیرا فکر می‌کنیم هیچ جامعه‌ای بدون دین قوام صحیحی ندارد و می‌بینیم که يك جامعه کاهلا ماشینی چگونه گرفتار فساد و لغزش میشود بطوریکه امروزه مناظر عجیبی در دنیا می‌بینید .

يك مقدار جمعيت دنيا از روی بی اعتقادی بدین دست به کارهائی میزنند که انسان بعضی اوقات حقیقتاً وحشت میکند که عاقبت خود این بدبختها چه هست و عاقبت جامعه بشری اگر این وضع ادامه داشته باشد چه خواهد شد و آیا این تمدن ما قابل دوام است یا از بین خواهد رفت و منفجر خواهد شد و اگر بشود چه بجای آن میآید؟ یقیناً در یوزگی، بیکارگی و بی علاقگی...

وقتی یادم میآید خندهام میگیرد که در ۱۹۶۸ (گمان میکنم بهار کدائی پاریس) که پرچمهای سرخ یا سیاه همه جا بر فراز محوطه های دانشگاهی باهتزاز بودو (نهیلیستها) جمع شدند و دانشگاه را اشغال کردند بعد از دو سه ساعت که آنجا رسیدند گفتند اولین کاری که ما باید بکنیم اینست که ما باید برای این کار خود تشکیلاتی بدهیم حتی (نهیلیستها) میگفتند که ما باید بکار خودمان تشکیلاتی بدهیم پس اینها که حالا اینطور زیر همه چیز زده اند چه کار خواهند کرد؟ آیا آنها مثل همان پرچم سیاه ها بالاخره کار و مسئولیت اگر بدستشان افتاد خواهند گفت که باید تشکیلاتی بدهیم، و نظمی ایجاد کنیم؟ انشاءاله که بآن روزها نرسد.

در قسمت های اقتصادی از اول سال ۱۳۴۲ تا آخر سال ۱۳۴۸ نود و یک میلیارد ریال در صنایع سرمایه گذاری شده است. طی همین مدت رقم کل سرمایه گذاری ثابت در خود مملکت ۶۷۰ میلیارد ریال بوده است، پیش بینی میکنم که از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ طبق پروتکل های امضاء شده (یعنی چیزهای قطعی) در حدود يك میلیارد دلار (نزدیک ۸۰ میلیارد ریال) رقم صادرات کالاهای صنعتی ایران بکشورهائی که با آنها قرارداد بسته شده خواهد بود.

از لحاظ کالاهای صنعتی قبل از انقلاب ششم بهمن صادرات صنعتی ما تقریباً صفر بود و حال آنکه در حال حاضر قسمت اعظم کالاهای مصرفی در ایران ساخته میشود بطوریکه نسبت واردات کالاهای مصرفی ما

بکل واردات، فقط ۸ درصد است و تقریباً کلیه واردات دیگر را کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه و مواد واسطه‌ای آن تشکیل می‌دهد. نسبت واردات کالای مصرفی مادر قبل از انقلاب ۳۲ درصد بوده است در قسمت آب و برق که هر دوی آن ملی است، در سال ۱۳۴۱ تولید برق در تمام کشور ۵۰۰ میلیون کیلووات ساعت بود و در سال ۱۳۴۹ این رقم به ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون کیلووات ساعت رسید. در سال ۱۳۴۱ قدرت نصب شده در تمام مملکت ۴۰۰ هزار کیلووات بود و در سال ۱۳۴۹ این رقم به یک میلیون و ۵۰۰ هزار کیلووات رسید و تا آخر برنامه چهارم این رقم یعنی قدرت نصب شده در تمام مملکت ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار کیلووات خواهد بود یعنی از ۴۰۰ هزار به دو میلیون و ۸۰۰ هزار میرسد، کمالینکه مقدار کیلووات ساعت از ۵۰۰ میلیون به ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یعنی بیش از ۸ برابر بالغ شده است. مجموع سرمایه‌گذاری در کار برق از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ پنجاه میلیارد ریال و مجموع سرمایه‌گذاری در کار آب از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ پنجاه میلیارد ریال است. نزدیک به ۷۸۰ هزار هکتار آب‌زراعتی تنظیم میشود و شبکه آبیاری این مجموعه هم اکنون بسرعت در دست ساختمان است. تا امروز ساختمان ۲۳ سد تکمیل شده یا تا آخر سال تکمیل خواهد شد. در مورد کشت و صنعت برای بیش از ۱۶۰ هکتار قرارداد با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی امضاء شده و محصولات از همین امسال به بازار آمده است.

البته به شما تذکر بدیم خوزستان به تنهایی ۸۰۰ هزار هکتار زمین دارد که میتواند با همین وضعیت زیر کشت و صنعت قرار بگیرد و گفتیم هر کاری آنجا بکنید رکورد دنیا را بدست می‌آورید. از لحاظ منابع طبیعی تمام عرصه جنگل‌ها و مراتع کشور ملی شده‌اند در حالیکه در برخی رژیم‌های دیگر هنوز این موضوع تحقق نیافته است مخصوصاً در قسمت آب که ما از لحاظ ملی کردن آن یکی از ممالک نادر دنیا هستیم.

در خیلی از ممالکی که من در اروپا دیدم (در اسکاندیناوی که بسیار پیشرفته هستند) خیلی از جنگل‌ها اصلاً بکلی فردی و خصوصی است یعنی در مالکیت شخصی است در سه سال گذشته متجاوز از ده هزار هکتار جنگل در اطراف شهرهای بزرگ ما بصورت دست کاشت ایجاد شده که البته این مقدار خیلی هنگفتی از آب‌را مصرف می‌کند و حتی شنیده‌ام جنگل‌های اطراف تهران نصف آب مصرفی شهر تهران را می‌بلعد ولی این وضع در آتیه تغییر خواهد کرد زیرا جوی‌های سابق را داریم به لوله‌های مختلف نایلونی و غیره تبدیل می‌کنیم و از آبیاری‌های بارانی استفاده خواهیم کرد و جاهائی که لازم است در روی زمین (مالچ) خواهیم پوشید تا رطوبت زمین را نگاه‌دارد. با اینکار مصرف آب فعلی در آینده خیلی کمتر خواهد شد بخصوص وقتی که درختان رشد کرده باشند. در همین مدت متجاوز از ۶۰ هزار هکتار در مناطق کویری و ریگزار جنگل-کاری شده است. در حال حاضر سالانه متجاوز از ۱۵۰ میلیون اصله درخت در کشور کشت میشود. بانک علوفه موضوع خیلی مهمی است که در آتیه بیش از پیش باید بآن توجه بکنیم. اوایل صحبت‌هایم اشاره‌ای بمقدار ظرفیت مراتع ایران کردم. بانک علوفه برای تلفیق زراعت و دامداری و تولید و توزیع علوفه در جریان تاسیس است و ما باین موضوع خیلی اهمیت خواهیم گذاشت ولی در مورد درختکاری و فعالیت‌های مشابه آن من در بعضی ممالک دیدم در تابستان و در ایام تعطیلات دولت‌ها تشکیلاتی میدهند و اردوگاهائی درست میکنند و داوطلبینی برای اینکار بآنجا می‌روند و عده زیادی تعطیلاتشان را به همین طریق می‌گذرانند یعنی به کاشت درخت می‌پردازند و حتی جاده‌سازی می‌کنند و در برخی موارد بناهائی در این «تیپ‌های کار» ساخته‌اند که ما از آنها دیدن کرده‌ایم.

حالا البته ما هم میتوانیم این کار را بکنیم ولی به هیچ وجه در مملکت ما این کار جنبه اجباری نخواهد داشت ولی چقدر خوب است اگر داوطلبانه

عده زیادی در امر درخت کاری شرکت میکردند و چقدر خوب بود اگر برای مبارزه با بعضی خطرات مثلاً خطر آمدن سیل برای ایجاد سیل بند یا نهر یا خندق یا دیوار یا یک هائل داوطلبانه مردم میسر رفتند و شرکت میکردند، بالاخره این مملکت متعلق به همه است. زیبا باشد مال همه است. نازیبا باشد باز هم مال همه است. در قسمت پست و تلگراف در برنامه سوم جمعاً ۶ میلیارد ریال در امر مخابرات سرمایه گذاری شده بود و در برنامه چهارم این رقم به ۳۵۰ میلیون دلار یا تقریباً ۲۷ میلیارد ریال بالغ شده است.

۱۵ هزار کیلومتر (میکروویو) در دست ایجاد است تا تلفن خودکار بین شهری و تلکس بکار بیفتد و برنامه های تلویزیون و رادیو با کثرت شهرها و روستاها برسد.

در سال ۱۳۳۹ درآمد سرانه ایران ۱۵۹ دلار (یا تقریباً ۱۲ هزار ریال) بود، از سال ۱۳۴۹ این رقم به ۳۱۱ دلار (تقریباً ۲۴ هزار ریال) رسیده و ممکن است از این بیشتر هم باشد یعنی در عرض ده سال درآمد دو برابر شده است.

حالا کار ما از این به بعد بیشتر این است که هر چه بیشتر درآمدها در مملکت (حتی از حالا) عادلانه تر تقسیم بشود. بدنیست خاطر نشان کنم که اینها تماماً نتایج مادی انقلاب است که میتوان بچشم دید امانتاً معنوی آن غیر قابل اندازه گیری است و البته در یک اکثریت قاطعی روحیه ای ایجاد شده که هر روز مملکت را بیشتر بسمت ترقی میبرد البته این پیشرفتهای بعضی اوقات یک عکس العمل های معکوس دارد. عده ای حسودیشان میشود یا عده ای نمی فهمند یکی دو دفعه در همین زمینه برخورد کردم به چیزهای عجیب و غریب و تزه های عجیب. یادتان هست یک موقعی در یک ماه فروردینی نسبت بمن یک سوء قصدی شد و حالا پس از گذشت این مدت میخوام لااقل باور بکنم آن کسی که در همان موقع (یعنی پرویز نیک خواه) میگفت «من مخالف این کار بودم» و راست

میگفته و حالا میبینم که چطور عوض شده و بسمت میهن برگشته است. حرفش را قبول میکنم که او با سوء قصد مخالف بوده اما بهر صورت از آن اطلاع داشت اما در مورد منصوری این را هیچ کس نمیداند. او همان روزی که توقیف شد درخواست کرد که بیاید مرا ببیند شاید در حدود یک بعد از نیمه شب بود، در آن موقع سپهبد کمال رئیس اداره دوم ایران بود. او منصوری را بداخل اطاق من آورد و من رفتم پائین تا او را ببینم، شهبانو در طبقه بالا ایستاده بود در منزل ما بالای «هال» باز است و از بالا پائین را میشود دید.

این آدم را وقتی نزد من آوردند من متوجه شدم که او مثل اینکه حاج وواج است. خودش را گم کرده بود. قیافه مظلومی داشت. همان لحظه در قلب من این احساس بوجود آمد که چنین انسانی را اصلاً آدم نمیتواند تنبیه بکند. اولاً اینکه پناه آورده بود که بیاید و بگوید موضوع چه بوده و ثانیاً من حق دارم همیشه از کسی که نسبت به شخص من بدی بکند صرف نظر بکنم. اما اینکه تا بحال همیشه کرده ام اما از کسی که به مملکت خیانت بکند محال است بتوانم بگذرم (برای اینکه من حق ندارم و اصلاً سوگندی که من یاد کرده ام برای حفظ این مملکت است و این در آن سوگند مستتر است که اگر باین مملکت خیانت بکند من باید نسبت به آن شخص کاملاً بی رحم باشم اما کسی بخود من بدی بکند این دیگر مربوط به شخص من میشود و حق دارم صرف نظر بکنم که تا بحال همیشه کرده ام).

بهر حال بعد که رفتم بالا دیدم که اتفاقاً شهبانو از آن بالا این شخص را دیده است و ظاهراً همان حسی که در من ایجاد شده بود در ایشان هم ایجاد شده بود. منتهی او زن است و شاید اشکش هم جاری شده بود. بهر صورت آن شخص هم که چند روز پیش مرخص شد به راه وطن بازگشت، نیک خواه میگفت که او هم از طرف کنفدراسیونی که در انگلستان درست کرده بودند به ایران آمده بود. بچه هائی که بیشتر

در دانشگاه منچستر درس میخواندند و حالا نمیدانم بصرف تصادف یا چیز دیگر آنجا تربیت شده بودند، یکی از اینها تز عجیبی داشت. میگفت «حرف هائی که من میزنم حالا هم عملی نشود سیصدسال دیگر عملی خواهد شد و ایران باید به اشغال خارجی درآید تا اشغال خارجی باعث این شود که ما بصورت «گریلا» بیائیم و کارها را بدست بگیریم» حرفی است که چندروز پیش در يك دادگاه، آدمی زده بود که اسمش اتفاقاً «پاك نژاد» است و واقعاً چقدر پاك است این نژاد که می گوید راه نجات ما اینست که وضعیت ما مثل فلسطین باشد من عاشق فدائیان فلسطین هستم و میخواهم بروم پیش آنها. یعنی حرف اینست که ایران بصورت اسرائیل ثانى درآید و ایرانیها را از داخل مملکت خودشان بیرون بکنند و ۲۸-۲۹ میلیون ایرانی بخارج مهاجرت بکنند و آواره بشوند و مثلاً در آفریقا جمع بشوند تا آقای پاك نژاد لیدر آنها بشود و روزی بایران باز گردد. باید به اینها گفت که شما حالا هم در ایران هستید، ولی فلان خارجی که همیشه دلش میخواهد باصطلاح مقاله های هیجان انگیز بنویسد یا یادش داده اند، همان خارجیها، همان کنفدراسیونها، همان حقوقدانهای خارجی که بعنوان ناظر به اینجامی آیند و حتی نماینده جاس که ویرش میگرد و برای خود نمائی مقاله مینویسد، به تو یاد داده اند که بگو «ما را شکنجه داده اند» خوب مرد حسابی، تو که محکوم به حبس ابد هستی نمیترسی که از حالنا آنموقع که زنده هستی هر روز تورا شکنجه بدهند، اگر قرار بود شکنجه بدهند که از حالنا تا وقتی که زنده هستی هر روز میشود شکنجه داد و دیگر تو بیرون نمی آئی و در حبس هم کسی تورا نمی بیند، پس این حرف های بچگانه چیست که مطبوعات خارجی سعی میکنند با تیر بزرگ آنها را بنویسند، این چیزها دیگر کهنه و قدیمی شده و دیگر حقیقتاً مهوع است. ما احتیاج باین کار نداریم بخواست خدا قدرتی است غیر قابل تصور، اما آنها نمیفهمند زیرا وضع ایران را نمیفهمند چه هست. وضع ایران يك وضع استثنائی است. جشنی را که کمتر از

یکسال دیگر در ایران برپا میشود (یعنی جشن ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی مستمر ایران) تاکنون کدام کشور و کدام ملت توانسته است بگیرد. بعضی‌ها ۲۰۰ سال تاریخ دارند و بعضی‌ها حد اکثر هزار سال و طبیعتا چه میفهمند که سه هزار سال تاریخ و دوهزار و پانصد سال سلطنت برای یک مملکت چه هست و نمایند چه ارتباط مافوق تصویری بین پادشاه و ملت در ایران هست. آنها اینها را نمیفهمند و بنا بر این قدرت مارادک نمیکنند، آنها هر چیزی را بمقیاس خودشان نگاه میکنند و مقالاتی مینویسند و اعمالی میکنند که ما در اینجا غیر از لبخند زدن و واکنش دیگری برای نشان دادن نداریم. همین ایرانی که آمدند اشغالش کردند، در آن ستون پنجم ایجاد کردند و تخم خیانت را در آن کاشتند تا درخت تنومندی بشود، و کیل تراشیدند، وزیر تراشیدند، همه چیز را دیکته کردند، همین مملکت را امروزه ببینید چه سیاست مستقلى پیش می‌گیرد که شاید باعث حسادت خیلی‌ها بشود و ببینید همین مملکت در عرض این مدت کم، با این ارقامی که برایتان خواندم از کجا بکجا رسیده و ببینید همین مملکت از ۱۹۷۰ یا ۷۱ تا آخر دهه هفتاد بکجا خواهد رسید، از لحاظ نظامی هم روز بروز بیشتر متکی بخودمان میشویم.

همین‌حالا نیروی نظامی ایران دارد جزو حساب می‌آید. تا ۱۹۷۶ نیروهای مسلح ایران از لحاظ قدرت و کیفیت بعدی خواهند رسید که مسلما در هر حساب بین‌المللی بشمار خواهند آمد، اینکه منطقه ما چه بشود، نمیدانم اما دعای ما اول اینست که صلح برقرار شود، قطعات ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ باید اجرا بشود و سرزمین‌هایی که بزور گرفته شده است باید بصاحب اصلی آن پس داده بشود.

امیدوار هستیم صلح برقرار بشود، امیدوار هستیم که در تمام دنیا صلح برقرار باشد و دوره جنگ - خونریزی - قتل - کشت و کشتار بسر برسد.

اما اگر این آرزو و امید چه در منطقه خاورمیانه و چه در

مناطقى كه نزديك بما است و احيانا ممكن است دود آشوب و حوادثش بچشم ما برسد تحقق نيابد بدانيد ايران سياستش اينست كه براى هر اتفاقى كه بيفتد آماده باشد و بهر حال و همانطور كه چند وقت پيش تذكره دادم، ديگر وقايع شهريور در اين مملكت تكرار نخواهد شد. البته همانطور كه مختصراً اشاره كردم با نتايجى كه در عرض اين هشت سال گرفته ايم ترقى ايران از اين پس يك ترقى عادى و باصطلاح «شيب مايل» نخواهد بود و اين شيب بتدرىج سريع تر و باز هم سريع تر ادامه خواهد يافت و دو برنامه پنجساله ديگر با روح انقلاب سفيد ايران اجرا خواهد شد.

ميل دارم روز بروز تعداد بيشترى از افراد در كارها سهيم و شريك و مسئول باشند زيرا به مناسبت شركت مردم در كارها، به تناسب از بين رفتن بيسوادى، به تناسب فهم بيشتر، تخصص بيشتر و علاقه بيشتر در كارها آن چيزى كه ما بآن دموكراسى حقيقى ميگوئيم بيشتر خواهد شد.

وقتى شخص سواد دارد تشخيص ميدهد كه چكار براى او مفيد است و چكار بايد بكنند، وقتى شخص حق رأى دادن دارد چه مرد و چه زن ميرود و رأى خودش را به صندوق مياندازد ما او را در اين كارتشويق ميكنيم. البته لازمه اين كار در هر مملكتى وجود تشكيلات و احزاب است، اگر احزاب خوب نيستند بهتر ميشوند، اگر باز حزب جديدى بخواهد تاسيس بشود ماجلوى آنرا نمى گيريم اما دريك كشور مگر چند حزب ميتواند وجود داشته باشد؟ بهر نسبتى كه مملكت از لحاظ مادى و معنوى ترقى بكنند دموكراسى حقيقى، همكراسى تميز، دموكراسى پاك و منزه در آن بارورتر ميشود. اين مملكت همه نوع استعداد پيشرفت را دارد، اما اگر كسى بخواهد بگويد دموكراسى يعنى اينكه (من از اين آدم خوشم نميآيد هفت تيرم را درمياورم و او را ميكشم، آزاد هستم و ميكشم) و يا اينكه آنها كه فكر ميكنند خيلى دموكرات هستند فوراً

قانون وضع میکنند که هیچ کسی را نباید کشت نتیجه این میشود که بهزندان میرود بعد از پنج سال یا ۱۰ سال او را می‌بخشند و باز دوبرته هفت تیرش را در می‌آورد و باز آدم میکشد و یا اینکه اگر دموکراسی افراط در کشیدن حشیش یا استعمال قرص (ال-اس-دی) و فسق و فجور و بی‌عفتی و این قبیل چیزها باشد، فکر نمیکنم با اخلاق ایرانی زیاد جور در بیاید. ممکن است بعضی‌ها بگویند که هر فرد آزادی ممکن است هر کاری بکند، وقتی ما میگوئیم بهر اندازه جامعه پیشرفت کند بهمان اندازه دموکراسی در این مملکت ریشه‌دار و تقویت خواهد شد منظور، همان دموکراسی تمیز است و الا با اخلاق و مذهب و سنتی که ما داریم این کار-های زشت اجتماع (آنهم اجتماع مریض) را ناتوان‌تر خواهد کرد. ما باید آنقدر وسعت دید و فکر داشته باشیم که بدانیم یک‌عده از افرادی که امروز منحرف هستند روی بیم‌دلتی‌ها و جنگ‌های که به مقیده آنها غیر لازم و ظالمانه است منحرف شده‌اند، عده‌ای عاصی شده‌اند و طغیان کرده‌اند یک‌عده‌ای هم این‌را عنوان کرده‌اند تا از زیر بار مسئولیت شانه‌خالی کنند (مثلا برای اینکه آنها را سربازی نبرند و برای اینکه جنک نروند) و بهر صورت امیدوارم آنها هم هدایت بشوند اما اگر این اسمش دموکراسی است باید گفت که در ایران این نوع دموکراسی مورد پسند مردم نیست. بهر صورت وعده‌ای که من بشمامیتوانم بدهم اینست که روح و فلسفه انقلاب ایران ادامه خواهد داشت و هر پیشرفت تکنولوژیک که برای پیشرفت جامعه و بهبود زندگی جامعه ضروری باشد ما آنرا قبول میکنیم اینقدر خودمان هوش و فکر و استعداد داریم که بتوانیم چیزی که برای کشورمان لازم است خودمان ایجاد و تدوین بکنیم و در عین حال هیچ نوع عقده حقارتی هم نداریم که اگر چیز بهتری در جای دیگر دیدیم آنرا اقتباس نکنیم. ما با سیاست مستقل ملی خود از ثروت‌های طبیعی مملکت استفاده خواهیم کرد. در مورد نفت بطور مفصل صحبت کردم و لسی امروز معادن مس مهمی در ایران پیدا شده است که آنها را نیز استخراج

می‌کنیم. صنایع پتروشیمی روزبروز اهمیت بیشتری پیدا میکند و لازم است خاطر نشان بکنم که آرزوی قلبی من (و میدانم شما) اینست که حتی یک بشکه نفت از ایران صادر نشود بلکه هر چه که از کشور ماصادر میشود فرآورده‌هایی بصورت پتروشیمی یا بصورت مواد پالایش شده باشد و باز هم این گفته خود را تکرار میکنم که نه تنها قبل از خاتمه قراردادمان باشرکت‌های نفتی شاید همان روز خاتمه، ولی بالاخره یک روز فرا خواهد رسید که روابطی که باید بین ممالک تولیدکننده نفت و ممالک مصرف کننده (یا بواسطه همین شرکت‌های موجود یا بواسطه شرکت‌هایی که ایجاد خواهد شد) برقرار باشد برقرار بشود و مملکت تولیدکننده باید نفت و فرآورده‌های نفتی را بفروشد و مملکت مصرف کننده باید بخرد، اینست که کمپانی‌های نفتی (یا بقول انگلیسیها «آپریتینک کمپانیز» یا آنهایی که امتیاز دارند) بعقیده من باید از بین بروند و این بِنفع همه است. دیگر تولیدکننده بکسی نمیتواند «غر» بزند که من استثمار شده‌ام، کلاه سر من گذارده‌اند و بمن حقه می‌زنند یا صورتحسابها غلط است.

البته رقابت بین ممالک تولیدکننده برقرار خواهد بود اما میدانیم که احتیاجات نفتی دنیا مرتبا زیادتر میشود. امروزه میگویند ۴۰ میلیون بشکه در روز مصرف دنیاست و طبق نقشه‌ای که طرح کرده‌اند مصرف نفتی دنیا به ۸۰ میلیون بشکه در روز میرسد. امروز خلیج فارس ۱۵ میلیون بشکه تولید دارد و سال دیگر نمیدانم چقدر میشود و اگر سالی ۱۲ درصد (یعنی همینطور که تا بحال پیشرفت کرده است) بالا برود عنقریب حوزه خلیج فارس شاید بتواند تا ۳۰ یا ۳۵ میلیون بشکه و شاید هم نصف مصرف نفت دنیا را تامین کند. فروش و معامله نفتی نیز در چنین شرایطی در واقع رقابتی است بین تولیدکنندگان نفت. من بهتر کار کنم و صنعت نفت را بهتر اداره کنم و با افراد کمتر، نتیجه بهتر و بهره بیشتر و فرآورده‌هایی با کیفیت بهتر تولید میکنم، طبیعی است که لیاقتش را

دارم و ارزش لیاقتم را بدست میآورم، آنکه این لیاقت را ندارد دیگر نمیتواند «غر» بزند بلکه باید سعی بکند همین لیاقت را بدست بیاورد و در چنین شرایطی مصرف کننده هم که الان اینقدر واسطه بین او و فروشنده نفت وجود دارد که قیمت يك دلار را به ۱۴ دلار میرساند نفت ارزانتری در اختیار خواهد داشت زیرا واسطه ها کم میشود و دولتهائی هم که اینقدر مالیات میگیرند دیگر خودشان میدانند و مردم مملکت خودشان، و این دیگر بما مربوط نیست. بهر صورت (همانطور که گفتم) این وعده ای که من بشما میتوانم بدهم و اینکار خواهد شد و بعضی اوقات من این جمله را استعمال کرده ام و اکنون باز هم میکنم که «این مملکت همیشه خدائی داشته و دارد و محکوم به پیشرفت است» این مملکت محکوم باینست که در دنیا نقش درجه اول و رول پر مسئولیتی را در آینده بازی بکند و ما باید با کمال قدرت و از صمیم قلب خود را برای ایفای این نقش آماده کنیم. در این هنگام خبرنگاران خارجی سئوالات خود را مطرح کردند:

اخراج غولهای نفت

خبرنگاری پرسید: فکر میکنم در ۲۹ دسامبر بود که فرمودید که غولهای فعلی نفت که از نفت متعلق بدیگران استفاده میکنند ممکن است زمانی در آینده اخراج شوند، ممکن است از اعلیحضرت سئوالی کنم که آیا روش کنونی غولهای نفت ممکن است فرارسیدن این زمان را تسریع کند؟

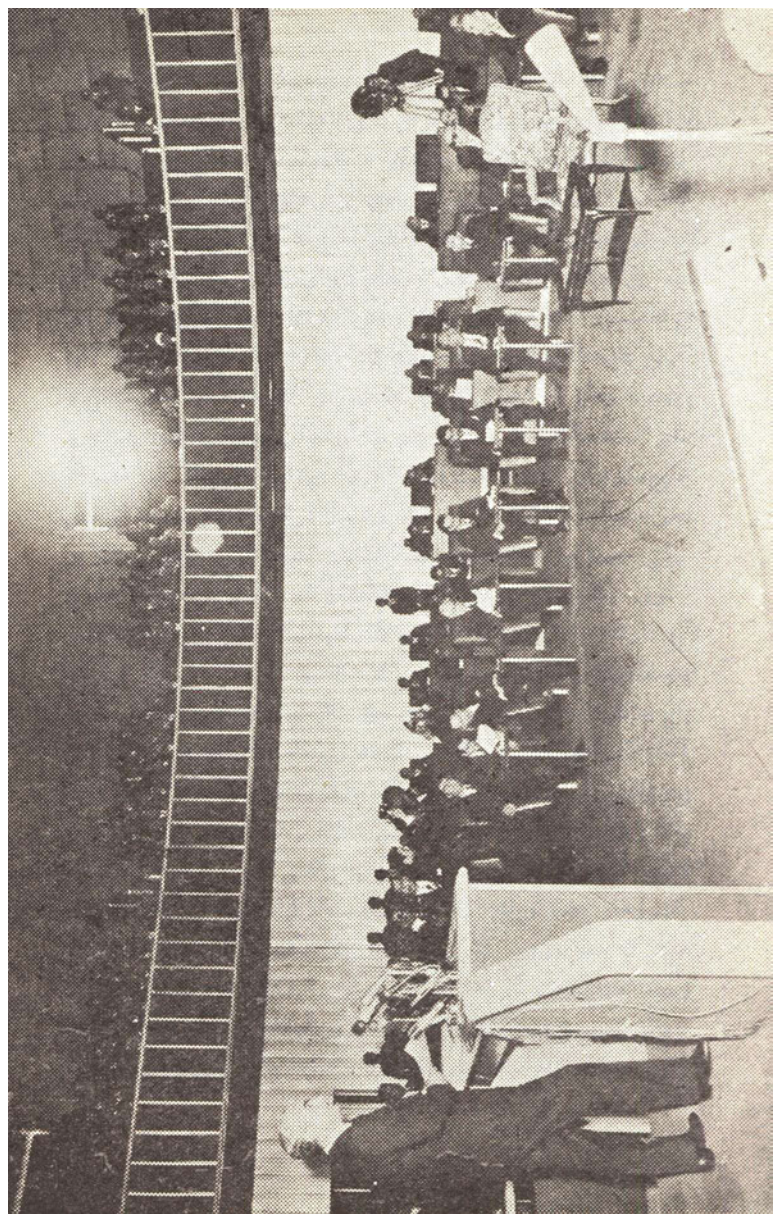
سأله شاه در پاسخ فرمودند: من هم اکنون در باره

همین موضوع صحبت میکردم ، من گفتم که مابنوبه خود قراردادهایی را که امضاء کرده ایم محترم خواهیم شمرد مگر آنکه مجبور شویم بنحو دیگری اقدام کنیم و همه کس میدانند که صبر ماطولانی است ولی داشتم میگفتم که بعقیده من وقتی که قرارداد کنونی ماتمام شود بهترین چیزی که ممکن است اتفاق بیفتد آنست که ماکشورهای تولید کننده (یعنی صاحبان این ثروت زیرزمینی که متأسفانه روزی تمام میشود) خودمان مستقلاً آنرا تولید کنیم، آنرا تصفیه کنیم و بفر آورده های مختلف تبدیل سازیم و آنوقت شرکتهای نفتی (همین ها که فعلاً هستند و یا سازمانهای جدید - این را من نمیدانم چون وابسته بطرف مقابل است) فقط و فقط بعنوان خریدار و یا مشتری بیایند و آنرا بهر جهت و بهر مقصد ببرند و سپس آنرا توزیع کنند، من این نکته را مخفی نمیکنم که امید من آنست که مادر کشورهای مصرف کننده ، سرمایه گذاری کنیم و نیز ممکن است بعنوان شریک در مراحل بعدی تاهنگامیکه تولیدات به پمپ میرسد شرکت کنیم، و چرا که اینطور نباشد ؟ اگر شما در کشور من سرمایه گذاری میکنید من هم این حق را دارم که در کشور شما سرمایه گذاری کنم، این امید و هدف غائی من است . ولی در این میان (ههچنانکه قبلاً گفتم) باید سهم عادلانه ای از عوائد نفت تحصیل شود.

در این هنگام یکی از خبرنگاران خارجی از شاهنشاه درخواست کرد آنچه را که درباره نفت و اوضاع خاورمیانه بفارسی بیان داشته اند بزبان فرانسه نیز بیان کنند .

شاهنشاه در پاسخ این خبرنگار به زبان فرانسه

گفتند: آنچه که من درباره نفت گفتم بسی طولانی است و بدون شك ترجمه آنرا بزبان فرانسه بشما خواهند داد ولی من برای شما بطور خلاصه میگویم که اولاً اگر کمپانیهای نفتی يك کارتل بزرگ بین المللی تشکیل دهند تا همه را خفه بکنند و اگر خصوصاً کشورهای صنعتی در صد حمایت از این کارتل برآیند در این مورد ما بدترین اصطلاح را که امپریالیسم



صنعتی یا استعمار نوین باشد به آنها اطلاق خواهیم کرد و از طرف دیگر باید بگویم که این کار فایده‌ای دربر نخواهد داشت، وقایع نشان داده است که شرایط سالهای ۵۲ و ۵۳ دیگر بپایان رسیده است و ما دیدیم درباره کانال سوئز چه ماجرائی رخ داد، جبهه بندی‌هایی برای درپیش گرفتن يك خط مشی سیاسی جهت مقابله با آن اوضاع تشکیل شده بود ولی سرانجام همه این مسئله را پذیرفتند که کشورهای دارای حقوق حاکمیت، میتوانند هر تصمیمی را که بخواهند درباره خود اتخاذ کنند و همین ماجرا در کشورهای حاکمه تولیدکننده نفت نیز اتفاق خواهد افتاد. اگر آنها پیشنهاد مذاکره را برای منطقه خلیج فارس که مختصات جغرافیائی و سایر مشخصات آنها با کشورهای مناطق دیگر منجمله منطقه مدیترانه و خلیج مکرپکو متفاوت است قبول نکنند و چنانچه آنها باز هم مصرانه بخواهند باهمه و یکجا مذاکره کنند و ضمناً اگر این مسئله بصورت خواستن مهلتی جهت سرداندن و بتعمیق انداختن قضیه باشد، در این صورت من تصور میکنم نتیجه‌ای عاید آنها خواهد شد که درست برخلاف انتظاری که دارند خواهد بود، ما حاضریم با کمپانیهای نفتی بطور عادلانه و منصفانه در باره قیمت‌ها وارد مذاکره شویم. ما حاضریم يك قرارداد پنج ساله را امضاء کنیم و در آن چیز تازه‌ای نخواهیم خواست بشرط آنکه کمپانیهای نفتی را افزایش ندهند و قیمت اعلان شده نفت با اندیکس پنج یاش قیمت تولیدات جهانی که در هزینه زندگی ممکن است موثر باشد وفق دهد و همچنین در خریدهایی که کشور من از خارج بعمل می‌آورد تاثیر داشته باشد، ولی چنانکه کمپانیهای نفتی اصرار ورزند که باهمه کشورهای عضو اوبك در آن واحد وارد مذاکره شوند این امری است عادی که همه مارویه کشوری را درپیش بگیریم که نتایج بهتری در زمینه نفت بدست آورده است، یعنی ونزوئلا. چنانچه کشورهای جهانی تصمیمات ونزوئلا را قبول کنند و مالیات را به ۶۰ درصد برسانند و قیمت اعلان شده نفت را یکجانبه اعلام کنند ما هم باین تزم ملحق خواهیم

شد و خواهیم گفت (اگر شما این را قبول دارید از نظر ما نمیتوان تفاوتی میان کشورهای حاکمه قائل شد، نمیتوان گفت که ونزوئلا صد در صد از حق حاکمیت برخوردار است و حق حاکمیت کشور های خلیج فارس مثلاً ۵۸ درصد است). این قضیه صحیح نیست و حقوق برای همه کشورها یکسان است و ماعیناً مانند ونزوئلا رفتار خواهیم کرد اگر میل کمپانیها واقعاً چنین چیزی است به این خواست آنها ترتیب اثر داده خواهد شد ولی البته من بکشورها توصیه نمیکنم که دست بچین کاری بزنند برای اینکه همیشه این ماجرا پیش می آید که انسان در بلوف خودش در گیر میشود و بعداً پشیمان میشود ولی دیگر پشیمانی چه فایده ای دارد ؟

کمپانیهای مستقل

خبر نگار تلویزیون ایتالیا چنین سؤال کرد: از اعلی حضرت تقاضا دارم بیان فرمایند که نظرشان در باره رویه کمپانیهای مستقل مانند کمپانی «انی» ایتالیائی چیست؟ این کمپانی ایتالیائی که به کارتل های نفتی نه پیوسته است، شما تصور می کنید که بطور کلی آنها دارای نقش مثبتی بوده اند:

شاهنشاه در پاسخ فرمودند:

ما از این کمپانی راضی هستیم این نخستین کمپانی است که ما با آن موافقتنامه ای منعقد ساخته ایم که يك موافقتنامه انقلابی است و مبنای موافقتنامه های قبلی را بکلی تغییر داده است، یعنی موافقتنامه ۲۵-۷۵ من تصور میکنم که آراپ نیز همین کار را کرده است و از کمپانیهای

بزرگ‌نفتی جدا شده‌اند. من در اینجا نمی‌خواهم از روابط بسیار خوبی که میان آراپ وانی وجود دارد صحبت کنم. ولی اگر این بتواند به چیزی کمک بکند مطلب دیگری است. چون من اطلاعی از قدرت توزیع شرکت شما و آراپ ندارم ولی اگرانی و آراپ بتوانند بجای شرکتهای بزرگ نفتی عمل کنند تصمیم آن‌ها در کشور ما خیلی خوب استفاده خواهد شد.

انقلاب سفید

خبر نگاری پرسید: اعلیحضرتا - انقلاب سفید ایران در بسیاری زمینه‌ها بموفقیت‌های بزرگ و باور نکردنی رسیده است اما هنوز در بعضی از زمینه‌ها از جمله انقلاب اداری و انقلاب آموزشی بمرحله نهائی نرسیده است، شاهنشاه که در جمیع مراحل انقلاب شخصاً رهبر و پرچمدار هستند ممکن است بفرمایند برای تحقق قطعی انقلاب اداری و آموزشی چه توصیه‌های جدیدی می‌فرمایند؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

همانطور که اطلاع دارید ما هر سال کنفرانسی در این زمینه داریم سال اول در رامسر جمع شدیم، بعد در شیراز و این کنفرانس هر سال ادامه دارد. فکر میکنم تصمیمات اولیه رامسر راهم پسنندیده باشند، پیاده کردن این موضوع بخیلی عوامل بستگی دارد و از همه مهمتر عوامل انسانی است فرض بکنید از موقعی که کنفرانس رامسر تشکیل شد تا بحال در دانشگاه تهران فقط شاید بیش از ۴۰۰ نفر استاد - استادیار و معلم جدید وارد

کار شده‌اند.

ما گفتیم که گفت‌و شنود بین استاد و دانشجو ایجاد بشود، تکرار هم کردیم قاعداً این عناصر تازه نفس که بمانند خون جدیدی در رگهای دانشگاه دویده و سانشان هم کمتر و مقتضی‌تر بوده میبایستی عوامل ایجاد گفت‌و شنود بین استاد و دانشجو را تهیه می‌کردند. در طرح ریزی انقلاب آموزشی ما اجرای چنین برنامه‌ای را پیش‌بینی کردیم حالا اگر این موضوع عملی نشده است باید علت‌ش را فهمید و شاید لازم باشد هیئتی برود با هر دو طرف مذاکره بکند که اگر گفت‌و شنود و تماس استاد و دانشجو ایجاد نشده علتش چه بوده است؟ البته تغییرات فوق‌العاده‌ای بوجود آمده که قابل پوشیدن نیست. البته بعضی اوقات سر و صداهائی میشود و من اتفاقاً در دانشگاه آریامهر این نکته را یادآوری کردم که اگر دانشجو سرو صدا نکند شاید علامت کسالت مزاجی است و حتی گفته بودم شاید ویستامین کم داشته باشد و باید ویتامین بیشتری بخورد زیرا در این سن لازمه قدرت جسمی و ستین جوانی همین نوع اظهارات پرسرو صدا و ماجراهای گوناگون است، منتها اگر بعضی اوقات برای ما اتفاقاتی می‌افتد (و فکر میکنیم علتش عدم پیشرفت انقلاب آموزشی و یا گفت‌و شنود است) بعداً متوجه میشویم که عوامل سیاسی هم در آن دخیل بوده است. با کمال تأسف باید اذعان بکنم که در وقایع اخیر ما بجز بیاناتی بر خورد کردیم که هر روز البته رشته‌های مختلف آن کشف میشود و نشان میدهد که جریان کاملاً سیاسی و بانقشه کاملاً تنظیمی بوده که تمام جزئیاتش البته با اطلاع ما رسیده است، این نکته را با هم باید در نظر گرفت که چیزیکه ما فکر میکنیم ناشی از عدم پیشرفت انقلاب آموزشی است در واقع يك جریان سیاسی اداره شده از خارج است که وقتی اتفاق می‌افتد تازه ملتفت میشویم، ولی این دلیل بر این نمیشود که ماسعی نکنیم منشور انقلاب آموزشی را مسرور بر روز با قدرت و میل بیشتر چه از طرف دولت و چه از طرف دانشگاهها (که استقلال کامل دارند اجرا شود دانشجوی ایرانی وطن پرست است و همه آنها از آن افکاریکه

چند وقت پیش گفتم مسلماندارند و بعکس این مملکت را از جان و دل دوست میدارند و حاضرند خون خود را نیز برای مملکت بیفشانند و ا مادر بساره ستوال دیگر تان که در مورد انقلاب اداری بود، باید بگویم اینهم از آن چیزهائی است که یکروزه محال است اصلاح بشود. البته از لحاظ اداری ما شروع به بازرسی کردیم و گفتیم بروند افراد را در هر شغلی که هست مورد مطالعه قرار دهند و ببینند آدم مناسبی است که در فلان شغل گذاشته اند یا نه، تخصص و دانش آن را بفهمند و طرز انجام وظیفه اش را بررسی کنند و با و نمره بدهند. من در ارتش دستور داده ام هر کس را که از رتبه عالی پائین تر باشد مرخص بکنند. اینجا فعلا میگویم قابل قبول است ولی مرحله بعدی در سازمانهای غیر نظامی نیز بهمین ترتیب افراد باید خوب و خیلی خوب و عالی باشند، اصلا میخواهیم به بینیم سازمانی که فعلا هست اصولا درست است یا نه؟ من مطمئن هستم ۹۵ درصد سازمانهای موجود ما اصلا درست نیستند. در این چند سال سازمانهایی که داده اند يك مقداری برای این بوده که مردم را راضی بکنند و عده ای را در ادارات جمع بکنند و بآنها حقوقی بدهند، بیکارها را جمع بکنند و برای اینکه بگویند در این مملکت بیکار وجود ندارد آنها را در ادارات وارد بکنند و سازمانهایی بدهند که جواب گوی سازمان پراتیک عملی سبک خوب نیست. خیلی هم نمیشود ایراد کرد بالاخره فارغ التحصیل این مملکت باید نان بخورد اما دلیل نمیشود که همیشه این سازمان بد باقی بماند.

ما باید متخصصین سازمان دادن و کارشناسان اداری داشته باشیم و کم کم سازمانهای خود را با احتیاجات و چیزهای صحیح تطبیق دهیم و بعد در همین سازمان افراد شایسته داشته باشیم، اما وقتی که این کارها را نیز کردیم و انقلاب اداری را از لحاظ سازمانی به ثمر رساندیم يك چیز دیگر هنوز باقی است که باز وقت میخواهند و آن اخلاق عمومی است، مربوط با اخلاق مراجعه کننده است و آن کسی که پشت میز نشسته است و این دیگر چیزی است مربوط به تربیت و جامعه و مربوط با آن میشود که جامعه ما چه

شکل مردمی را قبول داشته باشد؟ افراد دروغگو - شارلاتان و دزدویا افراد صحیح‌العمل که وقتی که باید بگویند «نه» واقعا بگویند، نه اینکه کشوی میز را بیرون بکشند «نه» گفتن او برای این باشد که پولی برود در کشوی میز. این مربوط میشود باخلاق ملی و این دیگر دست من نیست. این دست شماست، اگر بخواهید درست میشود و اگر نخواهید درست نمیشود.

سؤالات گوناگون

در اینجا نماینده خبرگزاری بی.بی.سی پرسید: ممکن است از اعلیحضرت سؤال کنم در صورتیکه توافقی با شرکتهای بین‌المللی نفت حاصل نشود آیا این موضوع در آینده نزدیک مطرح است که کشورهای تولیدکننده نفت دست با اقداماتی از قبیل «سانکسیون» بزنند؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

فکر میکنم باین سؤال قبلا پاسخ داده باشم ولی بار دیگر میگویم که اگر تاروز سوم فوریه که قرار است جلسه اوپک تشکیل شود راه‌حلی در مذاکراتی که اکنون انجام میدهیم بدست نیاید ممکن است هر تصمیمی از جمله چیزی که شما هم اکنون گفتید گرفته شود. یکی از مدیران جراید سؤال کرد که براساس گزارشها و آمار وارقامی که به پیشگاه شاهنشاه عرضه شده آیا معین شده است که حدود توقع ایران برای تامین منافع مردم ایران چه مبلغ است.

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

البته نمیشود الان گفت - برای اینکه خودم یک ارقامی را داریم مطالعه میکنیم، عربستان سعودی و عراقها هم که ما در مطالعه هستند همینطور، با سایرین هم، شورت میکنیم و این مطالعه است که الان همانطور که گفتم افراد درجه ۲ مشغول مذاکره و مطالعه هستند - چیزی که فقط میتوانم بگویم اینست که ارقامی که ماسعی میکنیم بآن دست یابیم نه کمتر از آن چیزی است که حق ماست و نه بیشتر از آن چیزی است که منطوق و عقل حکم میکند.

خبر نگار دیگری پرسید: آزادی زنان ایرانی یکی از مظاهر انقلاب سفید بود آیا شاهنشاه از پذیرفتن زنان ایرانی احساس خوشنودی و رضایت میفرمایند؟ و علیحضرت چه انتظاری از جامعه زنان ایرانی پس از این دارند؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ این خبرنگار فرمودند:

مسلماً از عکس العمل زنان ایرانی نسبت به انقلاب ششم بهمن رضایت کامل دارم. زنان ایرانی شاید مثل همه زنها ولی بخصوص چون قرنهادرک وضع بخصوصی زندگی میکرد از این آزادی تازه بدست آورده برای ابراز شخصیت خود و برای نشان دادن آمادگی و پختگی خود استفاده کرده است. البته مثلی که من میزنم مثل اکثریت است ممکن است یکمدهای هم طور دیگری رفتار کرده باشند که چه این آزادی را بآنها میدادیم چه نمیدادیم بهر صورت همینطور رفتار میکردند - اگر هم در ایران نمیکردند میرفتند در اروپا این کار را میکردند، آنکه حساب نیست. ولی چطور استفاده کردند، چند مثل برایتان میزنم - یکی روز اولی که ما سپاه انقلاب دختران ایران را ایجاد کردیم آن اول یکمدهای میآمدند و بمن میگفتند که این کار را نکنید مگر میشود در خانواده ایرانی دختری را از خانواده اش جدا

کرد و او را فرستاد بیک نقطه‌ای - این ایجاد عکس العمل میکند. البته جواب من این بود که شما نمیتوانید بگوئید یک مملکتی انقلاب کرده اگر فقط این انقلاب شامل نصف جمعیتش باشد و نصف جمعیتش مترقی و پیشرفته و نصف جمعیتش که زنها باشند مهجور و در زمره دیوانگان و ورشکستگان به تقصیر باقی بمانند - اینکه نمیشود - اگر زن میتواند وکیل بشود (اگر در قسمت حتی طلاق مایک پیش بینی هائی کردیم) و میتواند وزیر بشود و وزیر دادگستری بشود و پزشک بشود و در تمام شئون مملکت وارد بشود چرا سپاهی نشود؟

معنا چون روز اول ما بیش از سه هزار محل برای تربیت دخترها نداشتیم گفتیم برای ملاحظاتی بیائیم يك امتحانی بکنیم - میگوئیم که روز اول ما داوطلب می گیریم - اولاً هیچ کسی را مجبور نمی کنیم بهیچ جایی برود و این هنوز هم هست و باید باشد. هر دختری حق دارد در آن محلی که انتخاب میکند خدمت بکند ولی گفتیم روز اول ما داوطلب میگیریم - اگر سه هزار نفر نیامد بعد احضارشان می کنیم. روز اول که ما اعلام کردیم و داوطلب خواستیم عرض سه هزار نفر که جاداشتیم و میگرفتیم آن روز اول ده هزار نفر آمدند که اگر دوسه روز ادامه پیدا میکرد معلوم نبود که این رقم بکجا میرسد.

موقعی که متأسفانه چند وقت پیش در مملکت ماسیل آمد و من باذر - بایجان رفته بودم و من جمله برضائیه یکی از قسمتهائی که در فرودگاه دیدم پیشواز سپاهیان انقلاب دختر از ما بود - صد و چندی نفر سپاهی دختر آنجا ایستاده بودند لباسهایشان هم تمیز و هم مناسب برای کار کردن و هم زیبا با کمال احتیاط از سرپرست آنها پرسیدم که بین این دخترها یک نفر هم داوطلب ما داریم بدهات برود؟ حتماً بهمان اندازه که من تعجب کردم شما هم تعجب خواهید کرد وقتی که شنیدم گفتند صد درصد - تمام داوطلب شده بودند که بروند بدهات خدمت بکنند - آیا این استعداد - لیاقت و استقبال زن ایرانی را از انقلاب نشان نمیدهد، از این صحنه حقیقتاً بالاتر و گویاتر

من نمیتوانم پیدا کنم و در تمام مظاهر دیگر ما دیدیم زنها کارها را جدی میگیرند با جان و دل دنبال کار میروند و نه فقط پرستاری (که میگویند چون جنس لطیف است ظریف است دلش میسوزد مواظبت میکند) بلکه هر کاری که ما بزنیم مراجعه کردیم به بهترین وجهی از عهده آن برآمدند.

خبرنگار رادیو تلویزیون فرانسه پرسید: از این دو مسئله یعنی مسائل سیاست داخلی ایران و مسائل مربوط به اوضاع بین المللی مایل هستند که کدامیک امسال حل شود و بنظر آن اعلیحضرت راه حل آن چه خواهد بود؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

در امور داخلی مملکت بلطف خداوند مشکل چندان مهمی ندارد که در باره آن بتوان چیزی گفت (آنطور که بعضی از روزنامه‌های خارجی در باره آن ناراحت هستند و مطالبی از خود میسازند و این مهم نیست) مسائل داخلی ما مرتب در حال پیشرفت است همانطور که از اول انقلاب تا کنون یعنی در مدت ۸ سال گذشته پیش رفته است و سرعت پیشرفت ما به همین منوال خواهد بود و بیشتر نیز خواهد شد.

در مورد مسائل بین المللی میدانید که ما طرفدار سازمان ملل متحد هستیم و بان اعتقاد داریم ولی زمانی میتوان گفت واقعا سازمان ملل متحد است که قطعنامه‌ها و تصمیماتی که بوسیله آن گرفته میشود بخصوص قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ بمورد اجرا در آید.

سیاست خارجی ما بر پایه استقلال ملی کامل قرار دارد و ما به اصولی که همیشه بان احترام میگذاریم یعنی بین المللی بودن جهان - احترام به منشور ملل متحد و حقوق بشر - احترام به مناسبات دو جانبه - کوشش در راه برقراری صلح تا آن اندازه‌ای که بتوانیم. ما باتمام قدرت برای تحقق بخشیدن به این مسائل خواهیم کوشید و در عین حال هیچ نوع تخلیف و تصورات

بیهوده‌ای در سر نمی‌پرورانیم و بهمین منظور از نظر اقتصادی ماسعی میکنیم استقلال خود را حفظ کنیم تا آن اندازه‌ای که بتوانیم و از نقطه نظر نظامی علیرغم قراردادهایی که داریم مایلی روی آنها حساب نمیکنیم البته میتوان امیدوار بود که روزی دوستانی خواهیم داشت ولی روی این ملاحظات نیست که ماسیاست خارجی خود را پایه‌گذاری میکنیم سیاست ملی ما فقط بر پایه آتوهای مخصوص خود ما و نیروهای خود ما استوار است و بهمین علت ما مجبوریم سطح نظامی خودمان را تا آنجا که امکان دارد بالا ببریم. ما انقلاب خود را ادامه خواهیم داد با همان قدرت و روحیه گذشته و من امیدوارم که با کمک تکنولوژی و علمی که بتوان کارها را بروفق براد پیش ببرد سرعت پیشرفت صنعتی و تکنولوژی خود را افزایش دهیم.

خبرنگار دیگری بمرض رسانید که افکار عالی و بشر دوستانه و عشق بملت ایران ملهم اصول ۱۲ گانه انقلاب مقدس شاه و مردم بوده است چندبار شاهنشاه آریامهر در بیاناتشان راجع به بعضی اصول دیگری که مکمل این انقلاب باشد اشاره فرمودند استدهای چاکر اینست که در این باره اگر تصمیم قطعی اتخاذ فرموده اند روشن بفرمائید.

شاهنشاه در این باره فرمودند:

البته اگر تصمیمی باشد که خواهم گفت سیر تکامل همانطور که گفتم (غیر از آن مطالب اساسی که لایتثیر است) در هر زمینه‌ای هر موقمی ممکن است و این از یکطرف مربوط به علوم و تکنولوژی است بعد هم مربوط به پیشرفت و تمدن و پیشرفت روابط انسانی است بین کار فرما و کارگر و در تمام شئون دیگر موضوع خدمات اجتماعی است که باید اذعان بکنم من از این موضوع راضی نیستم هنوز ما باندازه کافی در مملکت مان مدرسه و بیمارستان نداریم، پرستار نداریم و این نوع خدمات اجتماعی را که مردم کشور ما بآنها احتیاج دارند هنوز نمیتوانیم در

اختیارشان بگذاریم البته چند علت دارد یکی اینکه عوامل انسانی لازم را نداریم، پزشک کافی نداریم، پرستار کافی نداریم بنا و ساختمانش را نداریم، ولی فرض کنید که ما بنا و ساختمانش را داشتیم ولی اگر آدمش را نداشتیم چه فایده‌ای داشت، بعضی اوقات هم يك اشکالاتی پیش می‌آید که قابل پیش‌بینی نیست و این راه‌ها دارند مثلاً پرستار، شما خدمت میکشید چندسال پرستار تربیت میکنید، فارغ‌التحصیل میشود، می‌آید بیرون جوان است و شاید هم خوشگل است بعد از چند روزی یا يك ماهی یا خیلی شانس داشته باشیم بعد از دوسه سال شوهر پیدا میکند و می‌رود و يك جا خالی میشود این جارا باید پر کرد کما اینکه این اشکال پرستاری را همه ممالک دنیا دارند.

در اینجا مطلبی بخاطر مرسید و آن این است که هنوز در مملکت ایران اختلاف بین حقوق‌هایی که ما می‌دهیم زیاد است یعنی حداکثر حقوقی که در يك موسسه خصوصی پرداخت میشود با آن حداقل و همچنین حداکثر حقوقی که در يك موسسه دولتی می‌دهیم با آن حداقل تناسبی ندارد و این درست نیست. انقلاب ایران این مطلب را باید در آینده حل کند الان شما بمن می‌گوئید که چاره‌ای نیست موضوع عرضه و تقاضا است - يك مدیر خوب هر قیمتی را می‌پردازد تا يك عنصر انسانی خوب و شایسته پیدا بکند چون تعداد مدیر خوب کم است - پس چون کم است من می‌آیم این آدم را بماهی ۲۰۰-۲۵۰ هزار ریال در ماه استخدام میکنم از او کار میگیرم و بنسبت حقوقی که با او میدهم از او سود میبرم - چرا، برای اینکه باندازه کافی آدم ندارید. حالا در آینده ما باید چکار بکنیم، آیا این حقوق‌ها را پائین بیاوریم یا نه، آن آخرین حقوق یعنی پائین‌ترین حقوقی که در آن موسسه میدهند جوابگوی احتیاجات اولیه و لازم اهل يك مملکت متمدنی نیست - البته اگر دست من باشد می‌گویم حقوق پائینی را برسانید با آن حداقل - چونکه من نمی‌خواهم کسی که الان خوب زندگی میکند بدتر زندگی بکند - من میخواهم کسی که الان خوب زندگی نمیکند بهتر زندگی بکند - پس راه انقلاب ما

در بخش خصوصی هم بطور خود کار و اتوماتیک این موضوع اجرا میشود
اول تشویقشان میکنیم- بعد اگر لازم باشد قانون وضع میکنیم - بعد اگر
که حداقل حقوق و درآمد یک ایرانی از آن اندازه‌ای که برای یک زندگی
شرافتمند و خوشبخت لازم هست، هیچوقت در آینده کمتر نباشد.

خبرنگار دیگری درباره صنعتی کردن مملکت و صنعتی
کردن شرکت‌های سهامی زراعی و ایجاد صنایع غذایی و صنایع
اولیه‌ای که در روستاها امکان ایجاد آن هست و همچنین درباره
ایجاد کار برای زارعین که بیشتر از چهار یا پنج ماه. حداکثرش
ماه از سال کار نمیکنند سؤال کرد.

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

صنعتی کردن مملکت که طبیعی است می‌بینیم که امروز مترقی‌ترین
ممالک در دنیا آنهایی هستند که تعداد افرادی که در امور کشاورزی آن
مشغول هستند از ۱۰ درصد پائین‌تر است. ایران ۶۰ درصد است اما باید دید
آب و هوای این مملکت اصلاً اجازه این را خواهد داد که کمتر از ۱۰ درصد
جمعیت ما در امر کشاورزی مشغول باشد و تمام احتیاجات مملکت را تهیه
بکنند یا نه، مطلبی است که آینده روشن خواهد کرد. همانطور که ما قبلاً گفتیم
آب در این مملکت کم است - یک نقطه معینی بیشتر نمیتواند زراعت بکنند
و اگر بخواهیم زراعت دیم را ادامه بدهیم درآمد زراعت دیم بقدری
پائین خواهد بود (به نسبت درآمدهای دیگر) که در این مملکت مادونوع
طبقه آدم خواهیم داشت - کسانی که در صنعت درآمد خوبی خواهند داشت
کسانی که در کشاورزی آبی درآمد بسیار خوبی خواهند داشت و کسانی که
در دیم باصطلاح معروف دیمی زندگی می‌کنند - یکسال آب می‌آید یکسال
دیگر آب نمی‌آید - اینکه نمیشود - پس تعداد جمعیت دهات ما باید تا آن حد
ممکن پائین بیاید کسانی که باقی میمانند یاد ر تعاونیها خواهند بود یاد

شرکتهای سهامی همانطور که گفتیم درآمد اعضای شرکتهای سهامی سه برابر قبل از ایجاد شرکت شده است ما باینها کمک میکنیم، متخصص میفرستیم مروج میفرستیم، اعتبار های بانکی میدهم، اگر انشاء الله کارهای مملکتی مان درست شد یعنی درآمد نفت مان اضافه شد، درآمد مس اضافه شود درآمدهای دیگری اضافه شد، تصمیم قطعی داریم حتی در این دوسالی که از برنامه چهارم باقی مانده و در برنامه پنجم اعتبارات کشاورزی خودمان را بالا ببریم - در برنامه پنجم که خیلی زیاد بالا خواهیم برد و اضافه بر اعتبارات کشاورزی که خواهیم داد بانک علاوه درست میکنیم و هزار وسیله فراهم خواهیم کرد که کمک مستقیم و غیر مستقیم بدهات ایران و بزارعین ایران که یادر شرکتهای سهامی شریک هستند یا عضو شرکتهای تعاونی خواهند بود بشود.

یکی از خبرنگاران خارجی پرسید: من از فرمایشات شاهنشاه چنین فهمیدم که به مذاکرات جمعی بین المللی چندان علاقه ای ندارند و مذاکرات خوب پیشرفت نمیکند ما از منابع دیگر که ایرانی نیستند و مذاکرات را تعقیب میکنند شنیده ایم که یک پل و یا یک راه حل بینا بین از یکطرف بین شرکتهائی که خواستار مذاکرات جمعی بین المللی هستند و از طرف دیگر بین کشورهای تولیدکننده خلیج فارس که خواستار مذاکرات منطقه ای هستند پیدا شده است آیا به نظر شاهنشاه چنین راه حلی بوجود آمده است و یا اگر نه آن اعلیحضرت تاجهدمت دیگر برای شرکتهای این موضوع رازوشن خواهید کرد که این فقدان تعاریف و یا ابهام تعاریف نمیتواند ادامه پیدا کند؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

مذاکرات در هر صورت ادامه دارد آنها امکان رسیدن بتوافق

باماراضی نکرده اند. گرچه گفته اند که ترجیح میدهند مذاکرات باتمام کشورهای تولیدکننده صورت بگیرد، ولی آنچه ما میگوئیم اینست که این امر عملی نیست بدلائل جغرافیائی، بدلائل مربوط به بازار و همچنین سایر عوامل - علاوه بر این کنفرانس اوپک در کاراکاس باماموریت داده است که از طرف منطقه خلیج فارس صحبت کنیم و من نمیدانم که آنها چگونه میتوانند یکجایک قرارداد باتمام کشورهای تولیدکننده نفت امضاء کنند کشورهای که منافع مختلف و بازارهای مختلف دارند و پاره‌ای از آنها میتوانند چاههای نفت را به بندند و باذخائر خود زندگی کنند و بعضی‌ها باین پول برای هزینه‌های روزمره خود احتیاج دارند - نخست اینکه این امر عملی نیست و ثانیاً اگر واقعاً روی این امر اصرار کنند (و من قبلاً گفته‌ام این نیز برای ما هم قابل قبول است) ما هم همان چیزی را خواهیم خواست که ونزوئلا عنوان کرده است و قانونی هم در مورد آن گذرانده است ما هم میتوانیم همین کار را بکنیم.

اگر این، آن چیزی است که آنها میخواهند و اگر آنها واقعاً فکر کنند که با گفتن اینکه میخواهند قراردادی باهمه ببندند خواهند توانست حداقل شرائط سودمند را بر کشورهای تولیدکننده تحمیل کنند و کار خود را باین نحو پیش ببرند، من تصور میکنم که آنها در این مورد مرتکب اشتباه و خیم و خطای بزرگی شده‌اند.

یکی از خبرنگاران پرسید: شاهنشاهی انقلاب ایران کشاورزی و صنعت را بیک اندازه مورد توجه قرار داده است آیا اجرای طرحهای انقلاب در غایت امر ایران را بیک کشور کاملاً صنعتی و کشاورزی تبدیل خواهد کرد یا با توجه به مقتضیات اقتصادی زمان و منطقه در درجه اول بصنعت و تولید کالاهای صنعتی پرداخته خواهد شد با توجه باین نکته که فی‌المثل در ۳۰ سال آینده میتوان صنایعی داشت که محصولات کشاورزی و غذائی تولید کنند.

شاهنشاه آریامهر در پاسخ چنین فرمودند:

خوشبختانه امکانات ایران طوری است که ایران میتواند نمونه کامل یک مملکت صنعتی و کشاورزی باشد با وجود اینکه همانطور که بکرات گفتیم مملکتی است که بارندگی زیاد در آن نمیشود ولی همین کوهها باعث می شود که ما بتوانیم آبهای را بیک مقدار معینی در پشت مخازن جمع بکنیم و کشاورزی آبی پیشرفته ای را در این مملکت ایجاد بکنیم که جوابگوی احتیاجات مصرف داخلی و احیاناً کم کم به احتیاجات مصرفی دنیا هم بکند .

طبیعی است که کشت و صنعت با هم توأم خواهد شد و فرآورده های کشاورزی تبدیل بمواد غذایی خواهد شد یا مواد صنعتی و آخرین متدهای کشت و صنعت را عملی خواهیم کرد. در این زمینه چند قرارداد امضاء کرده ایم ولی امروز میدانید که این، کار خیلی دقیق و مفصلی است مثلاً یک منطقه کشاورزی را میگیریم و آنجا فرض بکنید که تولید چغندر - گندم - جو و شبنم و یونجه برای اینکه کشاورزی نمیتواند یک محصول داشته باشد در جنب این محصولات شما دامداری میکنید بین دامداری مرغداری هم میکنید مرغی را که میکشید چیزهایی که زاید است از شکمش در میآورد ، این را مثلاً میدهید به یک حیوانی مثلاً «مینک» که پوستش را خانها می پوشند امروز گویانکه آقایان هم پالتومینک می پوشند ، این را میدهید بآن مینک که بزرگ میکنید و بموقع آنرا هم می کشید، پوستش را هم می کنید و چیزهایی را نیز که در داخل بدنش است احیاناً بمایه های که در همانجا نگاهداری میکنید میدادید ، بهر صورت یک سلسله فعل و انفعالاتی است که آنرا یک چیز جامع میگویند مثل سابق که یک کشاورز ما (یعنی آن بدبختی که با گاو یا اسب و الاغ و حتی بعضی اوقات با انسان خیش را می بست تا به زمینی که در آن سنک و نخاله فراوان بود مختصر خراشی بدهد) گندمی می پاشید یک تخم و چند تخم بر میداشت

آن يك نوع کشاورزی بود که وقتی میخواستند خیلی تعریف بکنند میگفتند و فقط غذا میخورد، زن و بچه هاش هم در ده می نشستند و يك پارچه بدبختانه ای می بافتند و این راهم باصطلاح میگذاشتند روی کول و دوش شان این يك تخم ده تخم محصول میدهد ولی حالا همانطور که بشما گفتم کشاورزی توأم بادامداری است، دامداری توأم با چیزهای دیگر است و باصطلاح از کوچکترین چیزی حداکثر استفاده را خواهید برد پس آتیه ما هم صنعتی وهم کشاورزی است وهم کشاورزی صنعتی است.

خبرنگار روزنامه تایمز لندن پرسید: اعلیحضرت در باره ای از محافل گفته شده است که اگر آن اعلیحضرتا بتوانید با شرکتهای نفتی در مورد خلیج فارس بتوافق برسید در این صورت همچنین موافقت خواهید کرد این توافق در کنفرانس اوپک مطرح شود و توصیه خواهید فرمود اساس يك راه حل جامع با سایر کشورهای عضو اوپک قرار گیرد. ممکن است اولانظر خود را در باره این موضوع بفرمائید و ثانیاً گفته میشود که اگر سایر اعضای اوپک با این راه حل موافقت نکنند شما در صورتیکه از راه حل مذکور رضایت داشته باشید آنرا در مورد خلیج فارس اجرا خواهید کرد.

شاهنشاه آریامهر در پاسخ باین سؤال فرمودند:

این کاملاً روشن است زیرا اعضای اوپک در کاراکاس بماماموریت داده اند در باره ۵ اصل با شرکتهای نفت مذاکره کنیم و این بیشتر مربوط بمنطقه خلیج فارس است و این کاری است که ما کرده ایم و از این پس هم خواهیم کرد. ماهنوز پیشنهادی را که از طرف شرکتهای نفتی مطرح شده است (مبنی بر اینکه این توافق يك موافقتنامه پنجساله باشد) قبول داریم و حاضریم چنین موافقتنامه ای را امضاء کنیم بشرط آنکه آنها در این مدت آنرا تغییر ندهند و بشرط آنکه قیمت اعلان شد، نسبت

مستقیمی باشاخص قیمت‌های چندکالای مهم در جهان داشته باشد: ما همچنین گفته‌ایم که اگر آنها بدلائلی شرایط بهتری بکشورهای (فرضاً) حوزه مدیترانه و یا خلیج مکزیك بدهند ما اصرار نخواهیم کرد از همان شرایط برخوردار شویم و قرارداد را محترم خواهیم شمرد و بآنها اجازه خواهیم داد در جاهای دیگر کاری را که می‌خواهند بکنند و حتی در صورتی که آنها شرایط و امتیازهای بهتری بدیگران بدهند ما حسادت نخواهیم کرد و حتی مآلاً از موفقیت بیشتر این ملتها بسیار خرسند خواهیم شد.

ما اکنون در درجه اول با امور مربوط به خلیج فارس سروکار داریم ولی (همانطور که بیکی از همکاران مطبوعاتی شما گفتند) اگر آنها اصرار کنند که يك قرارداد یکجانبه باهمه امضاء کنند ما در هر صورت من در صدد پیروی از قراردادی که از نوع قرارداد ونزوللا است بر خواهیم آمد.

خبرنگاری پرسید: گزارشهایی که از آنکارا رسیده بود مبنی بر این که دولت ترکیه مصمم است پیشنهاد هائی در باره دادن جنبه‌های دفاعی بسازمان همکاری عمران منطقه‌ای مطرح کند. آیا این موضوع واقعیت دارد و اساساً این امکان هست که «آر-سی-دی» جنبه دفاعی و نظامی به خود بگیرد؟

شاهنشاه آریامهر فرمودند :

این نخستین بار است که چنین چیزی میشنوم ، دیروز هم در جراید چنین مطلبی را دیدم ولی این موضوع بقدری دور از منطق است که من حتی میتوانم از قول ترکها بگویم که يك چیزی بکلی «من در آوردی است» زیرا برخلاف روح و مفهوم «آر-سی-دی» است .

«آر-سی-دی» يك سازمان بکلی غیر نظامی است و درش هم بر روی

همه باز است، اگر بخواهیم بآن جنبه نظامی بدهیم پس چطور ممکن است
درش بروی همه باز باشد؟

بمقیده من این فقط یکی از کارهائی است که شماروز نامه نویسهام خوب
بلدی بسازید و هر روز يك چیز تازه درست بکنید .

یکی از خبرنگاران فرانسوی پرسید : اعلیحضرتا نظر
آن اعلیحضرت در باره مناسبات فرهنگی و اقتصادی ایران
بافرانسه چیست ؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

شما میدانید که مناسبات دو کشور ماهواره خوب و صمیمانه و
نزدیک بوده است، من فقط تحول عظیم این مناسبات را میتوانم در نظر
بگیرم، از نظر سیاسی ما یکدیگر را درك میکنیم و از نظر اقتصادی میتوانیم
بیکدیگر کمک کنیم، ما رقیب یکدیگر نیستیم . بنابراین آنچه میتوانم
بگویم اینست که این مناسبات در آینده بیش از پیش باهماهنگی و مودت
توسمه خواهد یافت .

خبرنگار فرانسوی در این هنگام پرسید : اعلیحضرتا
میخواستیم بپرسم در آینده مناسبات شما به سه کشور بزرگ یعنی
با آمریکا و شوروی و انگلستان چگونه خواهد بود؟

شاهنشاه آریامهر فرمودند :

من عین همان مطلبی را که در باره فرانسه گفتم در این مورد
نیز تکرار میکنم ممکن است با این کشورها اختلافاتی پیدا کنیم که
بافرانسویها نداریم ولی از لحاظ نکات دیگر، روابط ما همینطور خواهد
بود که بافرانسه است .

خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز پرسید: آیا اعلیحضرت
وضع فعلی مسئله نفت را يك بحران تلقی میکنند و اگر چنین

است این بحران را تاجه حد خطر ناك میدانند و بنظر معظم له احتمال مختل شدن جریان نفت از کشور تولیدکننده یادست زدن به سانسو نهای دیگر تاجه حد است؟

شاهنشاه آریامهر در پاسخ فرمودند:

درواقع ممکن است موضوع بصورت يك بحران درآید و این در صورتی است که شرکتهای نفتی فکر کنند که میتوانند بمابلوف بزنند و یا تصور کنند بما (که به درآمد نفت خود برای زندگی روزمره خویش احتیاج داریم) فشار بیاورند تا تسلیم بشویم. حتی ممکن است این بحران خطرناکتر شود و آن در صورتی خواهد بود که کشورهای بزرگ صنعتی جهان سعی کنند از شرکتهای نفتی حمایت کنند و از منافع آنها به دفاع برخیزند. در این صورت میان ما و آنها تیکه ما آنها را «امپریالیستهای اقتصادی» و «قدرتهای امپریالیستی» و یا «صورت و جنبه جدید نئوکولونیالیسم» میخوانیم بر خوردی اتفاق خواهد افتاد و در این صورت بحران بسیار وخیمی میان این کشورها و کشورهایی که تولیدکننده نفت هستند و یا کشورهایی که کاملاً توسعه نیافته اند بوجود خواهد آمد. در این شرایط هر اتفاقی ممکن است بیفتد، و نه تنها ممکن است جریان نفت قطع شود بلکه ممکن است بحران خیلی خطرناکتری پدید آید. این در واقع طغیانی خواهد بود از طرف کشورهای فقیر علیه کشورهای ثروتمند، و اگر روزی چنین چیزی شروع شود، این امر حداقل خارج از حدود کنترل من خواهد بود.

یکی از خبرنگاران خارجی پرسید: اعلیحضرتا، گفته شده و یا پیش بینی شده است که حدود افزایش قیمتی که کشورهای عضو او پک در منطقه خلیج فارس میخواستند ۳۰ تا ۴۰ سنت برای هر بشکه است آیا ممکن است بفرمائید که این میزان بودنی نزدیک است یا از آن دور است؟

شاهنشاه در این مورد فرمودند :

این وابسته بآن است که شما چه چیزی را به هدف ما نزدیک و چه چیزی را از آن دور بدانید. ولی میتوانیم بشما اطمینان بدهم که خیلی دور نیست. ما خیلی عاقلانه رفتار خواهیم کرد و بیش از آنچه که استحقاق داریم چیزی نخواهیم خواست و کمتر از حقوق خود نیز چیزی قبول نخواهیم کرد .

من فکر میکنم که تاکنون روش ما کاملاً معقول بوده است - ما همچنان از همین روش معقول پیروی خواهیم کرد اگر شما (منظورم آنهاست) بگذارند که ما معقول باشیم.

مصاحبه رادیو تلویزیونی شاهنشاه آریامهر در ساعت ۳ و ۱ سی دقیقه پایان یافت .



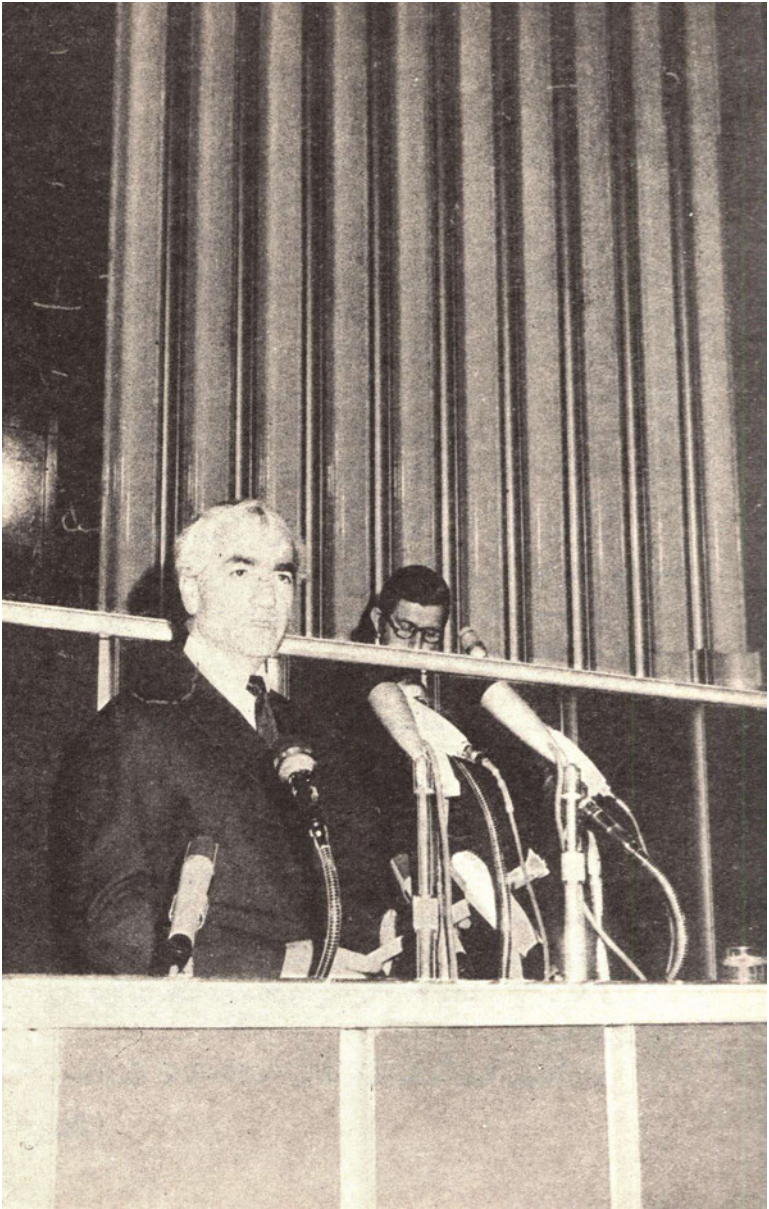
جلسہ تاریخی اوپک

کنفرانس مطبوعاتی و رادیو ٹیلیویزیونی نعت

در پیشگاه

اعلیٰ حضرت ہمایون شاہنشاہ آریامہر

در کاخ سنا



در آغاز آقای آموزگار وزیر دارائی و رئیس بیست و دومین اجلاس کنفرانس وزیران اوپک چنین گفت:
با کسب اجازه از اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر رسمیت جلسه اعلام می شود .

اعلیحضرتنا: عالیجنابان ، همکاران محترم،

خانمها، آقایان.

در این جلسه تاریخی که بیست و دومین کنفرانس سازمان کشور- های صادر کننده نفت است ما بسیار مفتخریم که شاهنشاه بما افتخار حضور داده اند. دهسال پیش با چند تمهد پراکنده در اقیانوس پرتلاطم سیاسی، سازمان ما کار خود را آغاز کرد. از این آغاز کوچک سازمان ما اینک بصورت امروزی درآمده که در سراسر جهان مورد شناسائی و ستایش قرار گرفته است.

بزرگترین کاری که امروز در مقابل سازمان ماقرار دارد آنست

که تغییراتی را که مغرب و بی‌مورد است کنار بگذاریم و تغییراتی را که لازم است و موقع آن فرارسیده و به تحول و تکامل منظم سازمان ماکمک میکند، انتخاب کنیم و بزرگترین امری که اینک در مقابل صنعت نفت قرار دارد بمقیده من آنستکه این صنعت بتواند از عهده نیازمندیهاییکه در حال تغییر و تحول است برآید. دنیا پیوسته و بنحوی اجتناب ناپذیر در حال تغییر است، مقاومت در مقابل تغییر مبارزه بیهوده‌ای است. موفقیت هدف مشترك مانه احتیاج به دیدروشن دارد، بلکه مستلزم مغزهایی است که بتوانند تصمیم بگیرند و قلبهاییکه بتوانند احساس کنند و به تفاهم برسند و تفاهم از آنجا شروع می‌شود که اختلاف‌ها را بشناسیم و نخواهیم که اراده خود را در مورد یکسان بودن همه چیز تحمیل کنیم. بنابراین دلایل است که ما اعضای اوپک مشترکا در مورد این مسئله حیاتی که امروزه با آن روبرو هستیم راهنمایی و رهبری اعلیحضرت را خواستار شده‌ایم.

خانمها، آقایان، اعلیحضرت شاهنشاه ایران اکنون بیاناتی اظهار

میفرمایند.

در این هنگام شاهنشاه بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند:
آقای رئیس، آقایان اعضای هیئت‌های نمایندگی کشورهای عضو اوپک، آقای دبیر کل، بانوان و آقایان، مقدرچنین بوده است که در مدتی کمتر از دو هفته برای بار دوم درباره نقش حیاتی نفت در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم کشورهای ماورویادهای مربوط به آن در دهه اخیر سخن بگویم، برای آنانی از شما که سخنان مرا در جلسه مطبوعاتی گذشته شنیدید توضیح دادم که بهای نفت خام که توسعه و رشد اقتصادی کشورهای ما تا حد زیادی به آن بستگی دارد در طی دوران ۱۵ سال گذشته يك سیر نزولی داشته است، بهای اعلام شده نفت خام سبکی که در سال ۱۹۵۷ بمیزان دو دلار و چهار سنت هر بشکه تعیین شده بود در فوریه ۱۹۵۹ به يك دلار و ۸۶ سنت و در اوت ۱۹۶۰ به يك دلار و ۷۸ سنت تقلیل پیدا کرده در

حالیکه همین نفت خام در سال ۱۹۴۷ توسط شرکت نفت ایران و انگلیس سابق به بهای دودلار و ۱۸ سنت بفروش رسیده بود. پس از بهره برداری از تاسیسات جزیره خارک بخاطر تفاوت کرایه حمل يك سنت بر آخرین قیمت اعلام شده افزوده شد، در واقع بهای نفت خام پس از گذشت ۲۴ سال بجای افزایش برابر ۳۹ سنت در هربشکه کاهش پیدا کرد. گرچه بسبب همین کاهشهای سریع و پی در پی در بهای نفت خام سازمان کشورهای صادرکننده نفت بنام اوپک بوجود آمد و گرچه اولین هدف این سازمان برگردانیدن قیمت های نفت خام به سطح قبل از سال ۱۹۶۰ بود با وجود این ملاحظه کردیم که در مدت ده سال که از موجودیت این سازمان گذشت نه تنها افزایشی در بهای نفت خام مشهود نشد، بلکه بسبب بالا رفتن قیمت کالاهای ساخته شده در دنیا و کاهش ارزش پول، ارزش واقعی درآمدها کاهش هم یافت.

دارا، دارا تر و نندار، نندار تر.

نگاهی به آمار منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد، روشنگر این نکته است که بطور مثال ظرف سه سال اخیر شاخص بهای کالاهای صادراتی پنج کشور بزرگ صنعتی جهان بیش از سه درصد در سال افزایش یافته است، در برابر این واقعیت بهمان گونه که قبلا هم اشاره کردم دهه توسعه سازمان ملل متحد برای کشورهای در حال توسعه و تولیدکننده نفت اسم بی مسائلی بود، چه در حالی که بهای کالاهای صنعتی مرتبا افزایش پیدا می کرد، درآمدهای حاصل از هربشکه نفت کاهش می یافت بطوری که ظرف مدت ده سال ارزش واقعی این درآمدها حدود بیست درصد تقلیل

پیدا کرده و گفته دیرین در مورد بسیاری از کشورها مصداق حقیقی پیدا نمود: دارا، دارا تر و ندار، ندار تر شد. پر واضح است که چنین وضعی قابل دوام نمیباشد و ماباید نهایت کوشش خود را بکار بریم تا این ثروت خدادادی که بتدریج رو بپایان میرود ارزش واقعی خود را حفظ کند و از گزند اثرات افزایش سرسام آور قیمت ها مصون بماند.

اکنون نگاهی به رویدادهای نیمه دوم سال ۱۹۷۰ در مورد بهای فرآورده های نفتی بیفکنیم.

همانطور که قبلا هم اشاره کرده بودم بهای کلیه فرآورده های نفتی در این مدت در انگلستان در دو نوبت مجموعا برابر با ۸۷ سنت و نیم، در هر بشکه افزایش یافت، متوسط افزایش قیمت هادر ۹ کشور اروپائی برابر با ۷۴ سنت در هر بشکه و در آمریکا بهای نفت خام معادل ۲۵ سنت از هر بشکه افزایش پیدا کرد. در ژاپن در اکتبر ۱۹۷۰ این افزایش برابر با ۲۲ سنت در هر بشکه بود.

افزایش قیمت ها:

در آغاز سال ۱۹۷۱ باز هم قیمت ها بالا رفت، در ژاپن به بهای نفت سفید ۲۶ سنت و نیم در بشکه و به بهای بنزین ۴۴ سنت در بشکه افزوده شد. در هلند بهای نفت سفید ۳۱ سنت در بشکه و نفت گاز ۶۰ سنت در بشکه افزایش یافت، در بلژیک افزایش قیمت در مورد بنزین مرغوب به ۸۳ سنت در بشکه رسید، در نتیجه این افزایش پی در پی قیمت ها، اوپک در بیست و یکمین اجلاسیه خود تصمیم گرفت حق مشروع خود را از این افزایش طلب کند که منجر به صدور قطعنامه معروف شماره ۱۲۰ گردید.

طبق این قطعنامه مقرر شده بود که وزیران سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی بنمایندگی از طرف ممالک تولید کننده نفت در خلیج فارس مذاکرات خود را برای اجرای مواد این قطعنامه با نمایندگان شرکت های نفتی آغاز کنند. پس از مدتی تاخیر و گفتگو این مذاکرات آغاز شد و ای شرکت های نفتی پیشنهاد کردند که این مذاکرات بصورت دستجمعی با کلیه اعضاء اوپک و یکجا صورت گیرد. در مورد این تقاضا، با آنان تذکر داده شد که شرایط مناطق نفتی جهان با یکدیگر متفاوت است. اختلاف در قیمت تولید و تفاوت در بهای اعلان شده در بازار، تقاضای مصرف، همگی ایجاب میکند که مذاکرات بصورت منطقه ای انجام پذیرد و بطور مثال هزینه تولید یک بشکه نفت خام در آفریقا ۴ برابر و در ونزوئلا ۵ برابر و در آمریکا ۱۵ برابر هزینه تولید در خلیج فارس است. در مقابل بهای اعلان شده نفت خام ۳۴ درجه در خوارک یک دلار و ۷۹ سنت، در ونزوئلا ۲۶ دلار و ۷۶ سنت و در آمریکا از سه دلار و ۵۱ سنت تا ۴ دلار و ۶۲ سنت میباشد نگرانی شرکت های نفتی از مذاکرات جداگانه، امکان بوجود آمدن تقاضاهای پی در پی برای افزایش بهای نفت خام و ایجاد رقابت برای بسال بردن قیمت از طرف حوزه های مختلف بود، در این مورد صریحا به آنها اطمینان داده شد که در صورت توافق معقول و منطقی در مورد نفت خلیج فارس هیچگونه تقاضائی بدلیل بهتر بودن شرائط در مناطق دیگر از طرف کشورهای حوزه خلیج فارس عنوان نخواهد شد. شرکت های نفتی همچنین پیشنهاد کردند که قراردادی برای مدت پنج سال منعقد شود تا ثبات مورد نظر برای کشورهای مصرف کننده تضمین شود، در این مورد خود من از این فکر استقبال کردم، بشرط آنکه اولاً شرکت های نفتی هم بخاطر همسان هدف که عنوان کرده اند یعنی ثبات و حفظ منافع مصرف کننده در این مدت از بالا بردن قیمت فرآورده ها بمنظور تحصیل سود بیشتر خودداری کنند و ثانیاً سالیانه طبق شاخص مورد توافقی، جبران افزایش قیمت کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی را که مورد نیاز ممالک تولید کننده نفت است

بنماید. بهمان گونه که اطلاع یافته‌اید مذاکرات پس از گذشت بیش از سه هفته از تاریخ شروع به عدم توافق منجر شد و اعلامیه مستدل و مشروع در این باره از طرف کمیته سه نفری وزیران شب گذشته انتشار یافت. اکنون با توجه به آنچه که بوقوع پیوسته پیشنهاد میکنم که کشورهای تولیدکننده نفت در حوزه خلیج فارس روشی را برگزینند که هم‌آهنک با مصوبات سازمان ملل متحد، منطقی و معقول باشد با اصل حفظ حق حاکمیت و استقلال کشورها تطبیق کند، در سایر حوزه‌ها نظیر داشته باشد و ثبات و اطمینانی را که مورد نظر کشورهای مصرف کننده است تامین نماید. برای نیل به هدفهای فوق هر گونه اقدام حقوقی یا قانونی که لازم باشد در یک زمان از طرف کشورهای حوزه خلیج فارس انجام گیرد.

حقانیت تقاضای ما

در اینجا ذکر این نکته لازم است که قبول درخواستهای کمیته سه نفری وزیران در حدود نیمی از افزایش قیمتی است که تا کنون از طرف شرکت‌های نفتی اعلام گردیده و این افزایش فقط در آمد کشورهای حوزه خلیج فارس را بطور متوسط به رقم ناچیزی در حدود یک دلار و ۲۵ سنت در هر بشکه می‌رساند که در مقابل رقم متوسط فروش هر بشکه بمصرف کننده از ۱۲ تا ۱۴ دلار هنوز از ۸ درصد تجاوز نمی‌کند و هنوز سهم برخی از دولت‌های کشورهای مصرف کننده از هر بشکه از طریق مالیاتی که بر فرآورده‌های نفتی وضع کرده می‌کند بیش از پنج برابر سهم ما است. قضاوت اینکه در این ماجرا حق با کیست بعهده وجدان پاک مردم با انصافی که خوشبختانه هنوز در جهان فراوانند می‌گذارم و امیدوارم این دلایل و

و این ارقام که زائیده تخیلات نبوده و صرفاً روشنگر حقایق است بنحوی
صحیح و کامل و منصفانه و خالی از تعصب و سیله خبر گزاریها و مطبوعات
که نمایندگان غالب آنها در این جا حضور دارند با اطلاع عموم مردم جهان
رسانیده شود تا حداقل افکار عمومی از کنه مطالب آگاه شود و به حقانیت
تقاضای ما پی ببرد.

بیانات شاهنشاه با کف زدنهای شدید و استقبال بسیار گرم و پر شور
هیئت های نمایندگی کشورهای عضو اوپک و روبرو شد و آنگاه آقای زکی
یمانی رئیس هیئت نمایندگی عربستان سعودی سخنرانی باین شرح
ایراد کرد:

اظهارات آقای زکی یمانی:

اعلیحضرتا:

بمنوان رئیس هیئت نمایندگی عربستان سعودی مطلبی ندارم که به
فرمایشات شاهنشاه اضافه کنم. دهسال پیش سازمان اوپک بوجود آمد تا
قیمتهای نفت را بیک پایه معقول و مناسب بالا ببرد، دولت آن اعلیحضرت
یکی از بنیانگذاران و یکی از اعضای این سازمان بود که نهایتاً کوشش در
تامین هدفهای سازمان اوپک بعمل آورده است.

در این لحظه و همچنین در زمانیکه تاریخ رقم زده میشود معتمد که
تحت رهبری آن شاهنشاه و تعالیم الهام بخشی که بما داده اید ما اکنون در
راه صحیحی که منجر به تامین هدفهای ما خواهد شد گام بر میداریم. بطوری
که اعلیحضرت هم اکنون فرمودید ما مردمان منطقی و با انصافی هستیم و

و آنچه که مادرخواست می‌کنیم حتی کمتر از حقوق و منافع قانونی است که بماتعلق می‌گیرد و به قسمی که فرمودید آنچه که ما اکنون درخواست می‌کنیم حتی کمتر از افزایش واقعی قیمت‌هاست که در بازار جهان روی داده‌است و مادست کم محق هستیم که سهمی در این افزایش داشته باشیم. ما همه‌گونه کوشش و جدیت برای حصول توافق با شرکت‌های نفت بخرج داده‌ایم، ولی با عدم توفیق زور برو شده‌ایم، هیچکس نمیتواند ما را مقصر بداند و اکنون ما کار دیگری جز اعمال حقوق خود نداریم که بطرز بسیار معقول و مناسب قوانینی را در جهت احقاق کمترین حقوق حقه خود وضع کنیم. اینجانب بنماینده‌گی از طرف هیئت نمایندگی عربستان سعودی تشکرات صمیمانه خود را بمناسبت کوشش‌های واقعی که آن‌ا علیحضرت در تأمین نظرات و هدف‌ها و نظرات کشورهای عضو سازمان اوپک مبذول فرموده‌اند به آن‌ا علیحضرت تقدیم میدارم.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی عراق

پس از اظهارات آقای زکی یمانی، آقای سعدون حمادی رئیس هیئت نمایندگی عراق بیاناتی باین شرح ایراد کرد:

اعلیحضرت شاهنشاه ایران-

اینجانب بطرز بسیار مختصری مایل است. موقع هیئت نمایندگی عراق را تشریح کند. خوشوقتم بمرض برسانم که اینجانب اختیار تام از حکومت عراق دارم که در این جلسه اعلام کنم که ما کاملاً و قویاً از نظریات

و پیشنهادهای آن اعلیحضرت که در نطق تاریخی خود بیان فرمودند پشتیبانی میکنیم.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی کویت

پس از سخنان رئیس هیئت نمایندگی عراق، آقای عبدالرحمن العتیقی رئیس هیئت نمایندگی کویت بیاناتی باین شرح ایراد کرد:

بمنوان رئیس هیئت نمایندگی کویت تصور نمیکنم چیزی برای گفتن برای من باقی مانده باشد.

اعلیحضرت در بیانات خود بنحوروشنی احساسات واقعی ما را تشریح کردند. با اینکه من در مذاکرات شرکت نداشتم واقف شدم که سه همکار من که ماموریت انجام مذاکرات بمهده آنها محول شده بود، در این مذاکرات از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و نهایت صبر و شکیبائی را بخرج دادند و نشان دادند که واقعا قصد دارند از طریق مذاکرات بسیار مسالمت آمیز بیک راه حل معقولی برسند ولی متاسفانه کار بجائی نرسید. مطریقه‌های شاهشاه را، راهنمای خود قرار داده ایم و من از طرف دولت متبوع خود اختیار دارم که از آنچه اعلیحضرت بیان فرمودند کاملا پشتیبانی کنم.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی ونزوئلا

پس از سخنان رئیس هیئت نمایندگی کویت، آقای هوگو پریز لاسلویا

رئیس هیئت نمایندگی ونزوئلا سخنانی باین شرح ایراد کرد :

اعلیحضرتا-

مایلم مراتب قدردانی عمیق خود را از آنچه اعلیحضرت درباره هیئت نمایندگی ونزوئلا فرمودند و گفتند که هیئت نمایندگی ونزوئلا با خطمشی اتخاذ شده موافقت دارد، ابراز دارم. با اینکه کشور من در این منطقه نیست مایلم همبستگی اوپک را تاکید کنم زیرا فقط از طریق همبستگی که اعلیحضرت آنرا بخوبی بیان فرمودند میتوانیم بقوانینی که در جستجویش هستیم برسیم و نیز مایلم این نکته را نیز بیان کنم که راه رسیدن باین قوانین فقط تدابیری است که اعلیحضرت امروز بیان فرمودند.

ما فردا روی این موضوع کار خواهیم کرد و من اطمینان دارم که نتایج آن برای تمام کشورهای ما بسیار رضایتبخش خواهد بود.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی قطر

پس از اظهارات رئیس هیئت نمایندگی ونزوئلا ، آقای دکتر حسن کامل رئیس هیئت نمایندگی قطر چنین گفت :

اعلیحضرتا-

بسیار مفتخرم که بعنوان رئیس هیئت نمایندگی قطر پشتیبانی کامل خود را از نظراتی که اعلیحضرت باروشنی کامل و بنحوی قاطع بیان فرمودند و همچنین از سخنان بسیار مهم آن اعلیحضرت درباره این مسئله بسیار مهم اقتصادی که اینک در تمام کشورهای عضو اوپک مورد بحث قرار

گرفته ابراز دارم.

بالجازه اعلیحضرت میخوام در چند کلمه کوتاه نکاتی رایبان کنم زیرا که دیگر زمان سخن گفتن نیست بلکه موقع اقدام است. در این لحظه که بدون هیچ تردیدیک لحظه تاریخی است بایدیک اصل اساسی را بخاطر داشت و آن اینست که باید از مقدمه و شالوده صحیح شروع کرد تا به نتایج صحیح رسید و در این ایام مهم و حیاتی که ما با آن روبرو هستیم شالوده صحیح همبستگی کامل ما است. همبستگی کامل در فکر، همبستگی کامل در تصمیم و بالاخره و از همه مهمتر البته همبستگی کامل در عمل و اقدام با پیروی از این اصول که موفقیت آنها حتمی است من مطمئن هستم که ما میتوانیم به هدف عالی و قانونی او یک برسیم که چیزی جز تحقق بخشیدن بامید و آرزوهای حقه ملت‌های مانیت. یعنی وضع قیمت منصفانه و ثابتی برای نفت و بدست آوردن سهم منصفانه‌ای از عواید ثروت ملی خود.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی ابوظبی

پس از اظهارات رئیس هیئت نمایندگی قطر، آقای مناسیدعطیه
رئیس هیئت نمایندگی ابوظبی گفت:

اعلیحضرتا-

بعنوان رئیس هیئت نمایندگی ابوظبی و از طرف دولت ابوظبی
بسیار خوشوقتم که پشتیبانی کامل خود را از نطق تاریخی شاهنشاه ایران
ابراز دارم.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی لیبی

پس از اظهارات رئیس هیئت نمایندگی ابوظبی، آقای عزالدین مبروک وزیر نفت لیبی بیاناتی باین شرح ایراد کرد:

اعلیحضرتا-

گرچه ما در کمیته سه نفری نبودیم ولی بخوبی واقف هستیم که آنها با شکیبائی و منطق با شرکتهای نفتی رفتار کردند. اعلیحضرت در نطق خود بطور مشروح بمذاکرات کمیته سه نفری اشاره فرمودند، مادر صدر سیدن توافق با شرکتهای نفتی هستیم و سعی داریم که بطور یکجانبه اقدام نکنیم و همواره سعی داریم که با آنها فرصت بدهیم که نظرات خود رایبان کنند، ولی در صورتیکه در این جهت با شکست روبرو شویم و حقوق ما نادیده گرفته شود، در اقدام تردید نخواهیم کرد. آنچه اعلیحضرت درباره قوانین مربوطه حق حاکمیت ما فرمودند، بمقیده من این نخستین اقدام در جهت صحیح برای رسیدن به هدفهای ما است.

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی الجزایر

آخرین ناطق جلسه علنی کنفرانس اوپک در کاخ سنا، آقای بلعید

عبدالسلام وزیر نفت و صنایع الجزایر بود، وی چنین گفت:

اعلیحضرتا، آقای رئیس، خانمها، آقایان:

بنام هیئت نمایندگی الجزایر می‌خواهم خوشنودی و درعین حال پشتیبانی کامل خودمان را از نظریاتی که آن اعلیحضرت هم‌اکنون در مورد مسائل نفتی که برای آینده کشور هایمان اهمیت فراوان دارد بیان فرمودند اعلام دارم. من می‌خواهم بگویم افکاری که آن اعلیحضرت این چنین جامع ابراز داشتند نمودار کامل احساسات همگان و بویژه اقداماتی است که کشور من در این زمینه بعمل آورده است. می‌خواهم اضافه کنم که این امر آنقدر بدیهی است که هیچ کشوری نمی‌تواند بهره‌برداری مستبدانه منابعی را که آینده‌اش با آن بستگی دارد در دستهای بیگانه قرار دهد. زیرا باتکاء این منابع است که ما مسئولیت‌های عمران و توسعه آینده کشور خود بمعهد گرفته‌ایم و بنابراین طبیعی است که در اوضاع واحوال کنونی از نظریات دولت‌ها و کشور های ذینفع در رسیدن باین هدف‌ها دفاع شود.

ماهه‌مطی دوره‌اخیر، درهای مذاکره را بقصد یافتن راه‌حل‌های قابل قبول از راه گفتگو باز گذاشتیم و اینکار را باین سبب نکردیم که از حقوق خود آگاه نبودیم بلکه باین انگیزه بود که می‌خواستیم باتمام شرکایمان، باروح و درك متقابل کار کنیم و بطریقی که بتواند برای دو طرف قابل قبول باشد.

ما بر این عقیده‌ایم که مذاکرات نباید علیه منافع ما تمام شود و بهمین دلیل است که عقیده داریم که بدنبال روش گروه‌های مختلف نفتی در برابر اعضای سازمان کشورهای تولیدکننده نفت اینک زمان آن فرا رسیده است که اقدامات لازم بر اساس حق حاکمیت کشور هایمان انجام گیرد.

ممکن است درخارج از روشی که ما اتخاذ میکنیم اظهار تمجب

شود، در حقیقت اگر باید از چیزی تعجب شود از این است که ما تاکنون تقریباً نسبت به تمام تصمیماتی که درباره درآمدهای ما گرفته شده بیگانه بوده‌ایم. بنظر من ارشاد و راهنمایی که اینک اعلیحضرت فرمودند روشنگر تصمیماتی است که از طرف دول ما اتخاذ شده است (در حقیقت بازگشتن به درك و تعبیر واقعی مسائل و بازگشت به جریان عادی امور است) زیرا سرانجام این دولت‌های ماهستند که تصمیمات لازم را اتخاذ خواهند کرد و من همچنین معتقدم که نباید تصور کرد که تنها تصمیماتی که بوسیله کمپانی‌های نفتی با موافقت شرکت‌های نفتی گرفته میشود، ماهم چنین دولت‌هایی هستیم که هم از منافع خود و از اوضاعی که در آن زندگی میکنیم آگاه هستیم و ماهم چنین دولت‌هایی هستیم بالغ که میتوانیم تصمیماتی قابل ارزش و معقولانه اتخاذ کنیم. من تصور میکنم که این جلسه اوپک يك جلسه تاریخی است و تصمیماتی که در آن گرفته میشود مربوط به امنیت تمام کشورهای نفتی خواهد شد و بهمین دلیل است که من از طرف دولت خودم ماموریت دارم کاری کنم که همبستگی میان ما و سازمان ما بابرگزاری این اجلاس تأیید شود و بدین منظور میخواهم بگویم که ما از نظریات و افکاری که کشورهای این منطقه برای دفاع از منافع خود تصویب کرده‌اند پشتیبانی می‌کنم. من همچنین معتقدم سازمان ما همانطور که از کشورهای این منطقه جانبداری می‌کند همینطور و با همین قدرت از تصمیماتی که در پاره‌مناطق دیگر گرفته خواهد شد دفاع خواهد کرد و سرانجام نظر سادر مورد مسائل نفتی نظری است که برای همه منطقی است و باید طبیعتاً از منافع کشورهای تولیدکننده دفاع کند. متشکرم.

پایان جلسه

نطق‌های هر يك از روسای هیئتهای نمایندگی با استقبال گرم و کف‌زندهای ممتاز حاضر روبرو شد. جلسه علنی کنفرانس اوپک در کاخ سنا در ساعت ۱۹ و پانزده دقیقه پایان یافت.

کنفرانس مطبوعاتی شاهنشاه آریامهر

کاخ سنا - چهارشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۴۹

اندکی پس از پایان جلسه تاریخی اوپک در کاخ سنا، شاهنشاه آریامهر خبرنگاران و روزنامه نگاران داخلی و خارجی را پذیرفتند و به پرسشهای آنان پاسخ دادند. ابتدا آقای جواد منصور وزیر اطلاعات چنین به عرض رسانید.

شاهنشاهها

مخبرین جراید داخلی، خبرگزاری پارس، رادیو ایران و تلویزیون ملی ایران و نیز مخبرین خبرگزاریهای خارجی مقیم ایران و مخبرین جراید و نمایندگان رادیو و تلویزیونهای کشورهای خارجی که اینک در پیشگاه شاهنشاه افتخار حضور دارند سپاسگزارند که پس از جلسه ساعت قبل اوپک و استماع فرمایشات تاریخی شاهانه که رهنمون کشورهای عضو می گردد، شاهنشاه اراده فرموده اند به سئوالات آنان پاسخ فرمایند.

اینک استدعا دارد اجازه فرمایند که هر یک سئوالی دارند به پیشگاه ملو کانه معروض دارند.

خبرنگار روزنامه لوموند - اعلیه حضرت تا

بنظر میرسد که نمایندگان کمپانیها در نامه خودشان بنام مصرف

کنندگان صحبت میکنند، آیا اعلیٰحضرت تصور میکنند که افزایش قیمت نفت در خلیج فارس باید تاثیری در بهای نفت در کشورهای مصرف کننده داشته باشد؟

شاهنشاه - من تصور میکنم علت اصلی اینکه کشورهای عضو اوپک جبهه مشترکی برای بالا بردن قیمت اعلان شده نفت خام در خلیج فارس تشکیل داده اند خصوصاً این بوده است که شرکتهای نفتی طی سال اخیر بمیزان قابل ملاحظه‌ای بهای مشتقات نفت را برای مصرف کنندگان اروپائی و ژاپنی بالا برده اند. همانطور که الساعه گفتم آنچه که ما خواسته ایم کمتر از ۵ درصد آنچه که کمپانیهای نفتی قبلاً به مصرف کنندگان در جهان تحمیل کرده اند میباشد.

خبرنگار اطلاعات - شاهنشاه، پیشنهادی که شاهنشاه هم اکنون در این جلسه تاریخی مطرح فرمودند مورد تأیید همه روسای هیئت های نمایندگی کشورهای عضو اوپک قرار گرفته و قطعاً آنان هم اکنون در اجلاسیه سری خود، راههای اجرائی این پیشنهادها را بررسی میکنند.

سوالی که مطرح است و فکر میکنم همه مردم نیز آنرا میپرسند اینست که آیا در فاصله بین اخذ تصمیم از طرف اوپک و اجرای آن، اگر شرکتهای نفتی حاضر به آغاز مذاکرات مجدد شوند و مذاکرات قطع شده را دوباره از سر بگیرند و بخواهند بر مبنای بقیه مطالبات کشورهای صاحب نفت که تاکنون با آن موافقت نکرده اند صحبت کنند، اینکار مقدور خواهد بود و آیا ممکن است جلوی اجرای تصمیمات اوپک را بگیرد.

شاهنشاه - این سوالی است که میتوان با اعضای کنفرانس اوپک که در اینجا حضور یافته اند مطرح کرد. علی القاعده تاروزی که قانونی

وضع نکرده باشیم اگر مطالبات حقه ما مورد قبول قرار گیرد، از لحاظ قانونی و حقوقی فکر نمیکنم اشکالی در میان باشد .

البته این تصمیمی است که هیئت های نمایندگی کشورهای عضو اوپک اتخاذ خواهند کرد و بهر حال اساس کار ما اینست که به حقوق حقه و طبیعی خود برسیم و وضعی که در این چند سال اخیر بطور یکجانبه از طرف شرکتهای نفتی به ممالک تولیدکننده تحمیل میشده است پایان پذیرد .

خبیرنگار تایمز لندن : اعلیحضرتا

در نطق بعد از ظهر امروز خود مطالبی پیرامون امکان وضع قوانین بیان فرمودید، آیا ممکنست توضیح بفرمائید که دولت شاهنشاهی ایران چه موقع چنین قوانینی را وضع خواهد کرد و همچنین بیان بفرمائید که آیا ممکن است مذاکرات دیگری با شرکتهای نفتی پیش از وضع این قوانین صورت گیرد؟

شاهنشاه : زمان و تاریخ وضع این قانون پس از مشورت با کشورهای شرکت کننده در مذاکرات و مخصوصاً باشش کشور تولیدکننده نفت در حوزه خلیج فارس تعیین خواهد شد.

گرچه فکر میکنم که شرکتهای نفتی در ماه اخیر در برداشت خود نسبت به مسائل مختلف رفتار نیاندیشیدای داشتند و ابتدا کوشیدند با پیشنهاد مبنی بر اینکه مایک قرار داد جمعی با آنها منعقد کنیم . بیان کشورهای عضو سازمان اوپک دودستگی ایجاد کنند ، در حالیکه من دفعه قبل گفتم که این موضوع یک شوخی است . اما چنانچه آنها پیش بیایند و مطالبات حقه ما را بپذیرند (و این در واقع حداقل درخواستی است که ما کرده ایم و همینطور که قبلاً گفتیم حتی نصف پولی نیست که آنها بطور یکطرفی بر مصرف کنندگان اروپائی تحمیل می کنند)

هر گاه آنها در این زمینه با پیشنهادی بماند راجعه کنند مسلماً. کشورهای اوپک مخصوصاً شش کشور حوزه خلیج فارس در مورد سوال شما تصمیم خواهند گرفت. همانطوریکه به خبرنگار اطلاعات گفتم بعقیده من قانوناً این موضوع هیچ اشکالی ندارد.

خبرنگار دیگر :

شاهنشاه در مصاحبه اخیر خود فرمودند که قطع جریان نفت امکان پذیر است، اینک باتوجه به شکست مذاکرات نفت آیا امکان دارد جریان نفت قطع شود؟

شاهنشاه: هنگامی که ما تصمیم های جمعی خود را گرفتیم که در حدود حق حاکمیت و اصول مورد قبول سازمان ملل متحد و باعزم لازم و بطور معقول قوانین لازم را وضع کردیم هر گاه کسانی باشند که نخواهند به حقوق حاکمیت ملی ما احترام بگذارند، آنوقت هر تصمیمی که لازم باشد از طرف ممالک عضو اوپک اتخاذ خواهد شد شاید هم موضوع توقف صدور نفت...

خبرنگار «پست» شاهنشاه: آیا امکان فروش نفت از

طرف کشورهای عضو اوپک بررسی شده است یا خیر؟

شاهنشاه: همانطور که در کنفرانس مطبوعاتی اخیر اشاره کردم آرزوی نهائی ما همین است که روزی بتوانیم نفت خود را بفروشیم یعنی ما فقط فروشنده نفت باشیم و شرکت ها و موسسات خریدار نفت، خریدار باشند و سرانجام آرزوی ما فرارسیدن روزی است که ما بتوانیم حتی در پمپ های بنزین آنها نیز شریک باشیم. ولی اینکه هم اکنون شرکت معینی آماده اینکار باشد هنوز مطالعه نکرده ایم و با کسی تماس نگرفته ایم و این به پیشرفت کار بستگی دارد. اگر کار به مشاجره و قطع کامل برسد

شاید کسانی باشند که برای خرید نفت بطور مستقیم از کشورهای صاحب نفت پیشنهادهای داشته باشند، آینده این موضوع را روشن خواهد کرد.

خبیر نگار: باتوجه به اینکه شرکت های نفتی چندین سال است در برابر دعاوی اوپک، توافق را بتاخیر و تمویق میاندازند و از اتخاذ تصمیم سر باز میزنند، آیا دولت شاهنشاهی تصمیم دارد ضرب الاجل تاریخی برای پایان مذاکرات تعیین کند؟

شاهنشاه: برای وضع قانون قطعا ضرب الاجل معینی تعیین خواهد شد و لابد تا فردا این موضوع با اطلاع عموم خواهد رسید.

خبیر نگار: شاهنشاه پیشنهاد فرموده اند قوانینی بر اساس مقررات مورد قبول سازمان ملل متحد و متکی به حق حاکمیت ما وضع شود، طبیعی است که این قوانین برای حفظ منافع ما است ولی آیا این قوانین شامل چه مواردی میشود و آیا مسائلی نظیر مسائل که در اجلاس جاری اوپک مطرح شد (مانند اخذ مالیات و نظایر آن برای منطقه خلیج فارس) در آن وجود خواهد داشت و یا اینکه اصولاً ترارادهای نفتی ما مواجه با موازین جدید قانونی خواهد شد.

شاهنشاه: مطلبی که ایران و عراق و عربستان سعودی در باره آن مامور مذاکره با شرکت های نفتی بودند، موضوع قطعنامه شماره ۱۲۰ کنفرانس گذشته اوپک بود و این بدین منظور بود که در آمدم عادلانه- تر و مطابق اضافه قیمت های شرکت های نفتی باشد. در این بین «نوز و ثلا» تصمیم گرفت راسا مالیات های نفتی را تعیین کند و در واقع با استفاده از حقوق حاکمیت خود، در عین حال قیمت های اعلان شده نفت خویش را نیز بطور یکجانبه اعلام کرد. این در حقیقت کاری بود که تا آن روز که پانی ها آنرا بطور یکجانبه انجام میدادند و مادر عرض این چند سال ملاحظه کردیم

که چقدر قیمت‌ها را بطوریکه جانبه پائین آوردند. نخستین کار ما این است که ما موریتی را که بر اساس قطعنامه شماره (۱۲۰) اوپک بما داده شده است بمرحله اجرا در آوریم و حقوق خویش را تسجیل کنیم. برای تسجیل این حقوق از راه‌های حقوقی مطالعه خواهد شد که آیا لازم است در قانونگزاری مطالبی عنوان بشود یا خیر، و این را خواهیم دید.

خبر نگار روزنامه فاینانشال تایمز: در مورد قوانینی که شاهنشاه اشاره فرمودند آیا اصولی که درباره تولید فرمودند بمراسل بعدی یعنی بازاریابی نیز مربوط خواهد شد؟

شاهنشاه:

مادر حال حاضر باین موضوع نمی‌پردازیم. من عقیده خود را ابراز میدارم که روزی فرا خواهد رسید که کشورهای تولیدکننده فقط با خریدار و یا توزیع کنندگان نفت معامله خواهند کرد و با آنها در مراحل بعدی مربوط به رساندن فرآورده‌های نفتی تا پمپ بنزین مشارکت خواهند کرد ولی این امر برای حال حاضر در نظر گرفته نشده است. در حال حاضر ما فقط می‌خواهیم سهم عادلانه‌ای از آنچه که شرکت‌های نفتی در سال ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۷۱ بر مصرف کنندگان تحمیل کرده‌اند داشته باشیم، این کاری است که ما فعلاً می‌خواهیم انجام دهیم.

خبر نگار فاینانشال تایمز:

ممکن است سوال کنم که آیا آن روز (مشارکت) ممکن است پیش از پایان دوره قرارداد‌های کنونی میان دولت‌های تولیدکننده و شرکت‌های نفتی فرا برسد؟

شاهنشاه:

باید بگویم که اگر آنها (منظورم شرکت‌های نفتی است) عاقل باشند

سعی خواهند کرد بچنین معامله‌ای برسند زیرا این روزها آنها سعی کرده‌اند افکار عمومی را علیه کشورهای تولیدکننده برانگیزند و این زمانی است که خیلی به آسانی میتوان آنها را مورد حمله قرار داد.

من استدلال خوبی دارم و آن اینست که چقدر عایدما میشود؟ تا کنون یک دلار، و چقدر شما (مصرف کنندگان) میپردازید؟ ۱۴ دلار؟ باید برسید آن ۱۳ دلار دیگر به کجا می‌رود؟

من نمی‌گویم که تمام آن بچیبش‌رکتهای نفت می‌رود بلکه ما میدانیم که واسطه‌ها زیادند ولی اگر شما منصف باشید (و من معتقدم که منصف هستید و چرا که نباشید) باید خودتان این سؤال را برای افکار عمومی مردم خودتان مطرح کنید. واقعا این تفاوت ۱۳ دلار تا با امروز به کجا رفته است، من شنیده‌ام که شرکت‌های نفتی باروش خیلی شوالیه‌آبانه‌ای گفته‌اند که آنچه ما بکشورهای منطقه خلیج فارس پیشنهاد کرده‌ایم امسال به حدود ۶۰۰ میلیون دلار و شاید پنج سال به ۱۶۰۰ میلیون دلار می‌رسد. واضح است که وقتی شما این مطلب را می‌شنوید فکس می‌کنید که پیشنهاد خیلی سخاوتمندانه‌ای است ولی باید دید که خود آنها چقدر بدست می‌آورند که می‌خواهند ۱۶۰۰ میلیون دلارش را بماندهند و چقدر شما مصرف کنندگان می‌پردازید و چقدر دولتهای شما از طریق مالیات گیرشان می‌آید، تقریباً تمام موارد مالیات‌هایی که بوسیله دولتهای اروپائی وصول میشود از تمام عواید هر یک از کشورهای ما بیشتر است، چرا شما این نکات را آشکار نمی‌کنید، همیشه مسئله اینست که کشورهای تولیدکننده پول بیشتری می‌خواهند ولی بیشتر، این پولها را چه کسی می‌برد. البته کشورهای تولیدکننده نفت نیستند که پول بیشتری عایدشان میشود، و آنها کشورهایانی هستند که نفت خود را می‌فروشند و سرانجام روزی فرا می‌رسد که این نفت تمام میشود، سعی کنید معلوم کنید که این ۱۳ دلار کجا می‌رود. من بسیار خوشحال خواهم شد اگر شما این نکته را برای افکار عمومی مردم جهان تشریح کنید.

خبرنگار «لوسوآر» (بلیک) :

می‌خواستم راجع به نکته‌ای که هم‌اکنون اعلیحضرت به آن اشاره فرمودند یعنی یک دلار که ایران دریافت میکند و چهارده دلار که مصرف‌کننده اروپائی میپردازد صحبت کنم، همانطوریکه اعلیحضرت فرمودند این ۱۴ دلار در بعضی موارد شامل ۵ دلار مالیات می‌گردد، در قسمت دیگری از نطق امشب اعلیحضرت فرمودند متوجه شدیم که در پیمانی که با کمپانیهای نفتی داریم ماده‌ای راجع به بررسی امکان بالا بردن قیمت نفت برای مصرف‌کنندگان اروپا وجود دارد، اعلیحضرت در واقع فرمودند: تعهدات مشابهی از طرف کمپانیها بعمل آمده است که قیمت محصولات نفتی را بالا نبرند بنابراین چگونه ممکن است قراردادی در بین کشورهای تولیدکننده و کمپانیهای نفتی بتواند مالیات بر نفت را در کشورهای غربی کنترل کند؟

شاهنشاه :

این کنترل غیر ممکن است، این عمل مطابق با آن است که کمپانی‌های نفتی هزینه فروش را افزایش دهند و نیز بدان معنی است که ما می‌خواهیم سود کمپانیهای نفتی را کنترل کنیم. البته ما بعنوان یک دولت حاکم نمیتوانیم از دولتهای دریافت‌کننده مالیات بخواهیم که یک صورت حساب از درآمدهای مالیاتی خود را به ما بدهند. درست همین مسئله است که افکار عمومی توجهی بان ندارد و در باره آن فکر نکرده است. بعقیده افکار عمومی همیشه کشورهای تولیدکننده هستند که خواستار امتیازاتی بیشتر می‌باشند و یابینکه گاهی کارتل‌های بزرگ می‌باشند که جیب آنها را خالی میکنند. این البته در مورد آنها نیز تا اندازه‌ای نارواست ولی در حقیقت قسمت بزرگی از این پول بوسیله دول کشورهای مصرف‌کننده نفت جمع‌آوری میشود.

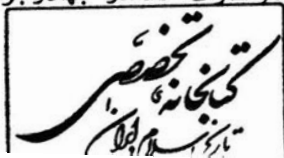
البته ما با این دولتها بعنوان يك دولت دوست هستیم ولی بهر حال این حقیقتی است که باید روشن کرد.

خبرنگار رادیو و تلویزیون فرانسه

اعلیحضرت چندی پیش در نطقی فرموده بودند که قصد دارند شرکت ملی نفت ایران را به بزرگترین شرکت نفتی دنیا تبدیل کنند، این روش بسیار صحیح و بجائی است، بنظر من با باز گرفتن ثروتهای ملی این کشور يك اقدام صحیح و بجا است و قدمی است فراتر در راه پایان دادن بر رژیم امتیازات در ایران.

شاهنشاه :

ما قراردادهایی را که منعقد کرده ایم محترم خواهیم شمرد، یعنی اگر ما را مجبور نکنند بدون شك موافقتنامه ای را که تصور میکنیم ۹ سال دیگر ادامه خواهد دادست محترم خواهیم شمرد ولی این بدان معنی نیست که طی این ۹ سال ما خواهیم گذاشت ما را مورد بهره برداری قرار دهند، همان چیزی که امروز پیشنهاد کرده ایم و هر بار نیز که ما واقعا احساس کنیم ما را مورد بهره برداری قرار داده اند مخالفت خود را ابراز خواهیم داشت و شما اطمینان میدهم که ما تا کنون صبر و حوصله زیادی از خود نشان داده ایم، البته ما تا دیر لازم را اتخاذ خواهیم کرد که تا تقریباً مسخره بنظر نرسیم ولی چنانچه زیاده از حد ما را اذیت نکنند این موافقتنامه را محترم خواهیم شمرد و در خلال این احوال، افکار عمومی جهانسان اطلاعات بیشتری کسب خواهد کرد. ما وسیله بیشتری در اختیار خواهیم داشت و من تصور می کنم شاید مصرف کنندگان جهان اولین اشخاصی باشند که (در صورت عدم امکان تماس مستقیم با کشورهای تولید کننده زیرا که صد هاد میلیون نفر مصرف کننده در جهان وجود دارند و نمیتوانند



هر يك به تنهائی يك قرارداد جداگانه امضاء كنند) در هر كجا كه باشند چه در اروپا، چه در ژاپن و چه در هر كشور ديگري كه خودش داراي منابع نفتي نباشد، طرفدار تماس مستقيم كشورهاي توليد كننده و مصرف كننده باشند.

خبرنگار خبر گزاري آسوشيتد پرس: اعليه حضرتان،

ممکن است پاره‌ای از نکات قانونی را که قصد دارید پیشنهاد کنید بیان فرمائید، آیا این قانون به پیروی از قوانین ونز و نلا خواهد بود و آیا بموجب آن، مالیاتها و قیمت اعلان شده بهره مالکانه بالا خواهد رفت و اگر قرار است هر کشوری برای خود تصمیم بگیرد شما برای ایران چه در نظر دارید.

شاهنشاه :

اصل حق حاکمیت ملی که در مورد ونز و نلا پذیرفته شده است همان طور که قبلاً گفتم اصلی است که وقتی شما آنرا در مورد ونز و نلا قبول کردید باید در مورد هر کشور دیگر نیز که حق حاکمیت ملی دارد قبول کنید ولی این بآن معنا نیست که ما از الگوی ونز و نلا قصد پیروی داشته باشیم یا اینکه بخواهیم عیناً همان شرائط را در مورد مالیات و در مورد قیمت اعلان شده و در مورد بهره مالکانه وضع کنیم، زیرا همانطور که ما گفتیم ممکن نیست بتوان با تمام کشورهای عضو اوپک یکجا مذاکره کرد زیرا اختلافات جغرافیائی و مسافتهای مختلف وجود دارد و هزینه تولید در این منطقه حدود ۳ یا ۴ بار کمتر از ونز و نلا است. واضح است که شما در چنین شرایطی نمیتوانید همان قیمت اعلان شده را وضع کنید، در حالی که ونز و نلا آنقدر به ایالات متحده امریکان نزدیک است و شما قیمتهای اعلان شده را تا ۲ دلار و ۶۲ سنت بالا برده‌اید، ما از این مسافت نمیتوانیم همان قیمت اعلان شده را بخواهیم و یا وضع کنیم. مسئله، مسئله فکر کردن بطریق تجاری و قانون.

گذار است.

ما تمام این واقعیات را در نظر خواهیم داشت و بحساب خواهیم آورد، ولی اصل، همان حق حاکمیت ملی کشورها در اتخاذ تصمیم بهمان نحوی که و نزولاً تصمیم گرفته است و مورد قبول دنیا واقع شده می باشد.

خبر نگار رادیو و تلویزیون فرانسه :

اجازه می خواهم از آن اعلیحضرت پیرسم آيا کشور شما و کشور- های دیگر تولید کننده قبل از اعلام تدابیری که در جلسه فوق العاده اوبك در نظر گرفته خواهد شد به کمپانیهای نفتی شانس دیگر برای مذاکره خواهند دادو آیا تدابیر سختی مانند قطع جریان نفت کمپانیهای غربی در نظر گرفته اید یا خیر؟

شاهنشاه :

باید در انتظار تصمیمات جلسه اوبك بود که امشب تشکیل میشود. در این جلسه درباره تاریخ وضع قوانین برای کسب و تامین حقوق کشورهای صاحب نفت که من بشما اطمینان میدهم این، حداقل منافع این کشورهاست اتخاذ تصمیم خواهد شد. ارقام را با هم مقایسه کنید تا ببینید چه بدست مامی آید و چه بجیب شرکت های نفتی میرود و چه به دخل کشور هائی که روی مواد نفتی مالیات می بندند وارد میشود. مثلاً میتوانیم از کشور خود شما که مهمترین دوست ما است یاد کنیم. من نمیدانم درباره چه تاریخی تصمیم گرفته خواهد شد ولی بدون شك تاریخی در نظر گرفته خواهد شد. تا چند روز دیگر تمام کشورها (یعنی ۶ کشور تولید کننده نفت در خلیج فارس) درباره تاریخ وضع قوانین لازم که حافظ منافع نفتی آنها خواهد بود توافق خواهند کرد اگر در خلال این مدت شرکت های نفتی با ما تماس برقرار بکنند و بما بگویند

که تصمیم گرفته‌اند خواسته‌های مارا بر آورند فکر میکنم قانونا جواب منفی دادن به آن مشکل خواهد بود. زیرا در اینصورت مهلت تعیین شده هنوز سپری نشده است. ولی مسلمانن چنین چیزی را از هم اکنون نمیتوانم بطور قطع بگویم، زیرا این چیزی است که اعضای اوپک (بویژه اعضای منطقه) باید درباره آن تصمیم بگیرند. با اینهمه من همینطوری میگویم که فکر نمیکنم ماده‌ای وجود داشته باشد که مخالف این امر باشد.

خبیر نگار کیهان : شاهنشاهها

شایعه‌ای مبنی بر اقدامات دولت‌های بزرگ و ذینفع برای میانجیگری بین کشورهای عضو اوپک و کمپانیهای نفتی انتشار یافته‌است، آیا این شایعات حقیقت دارد یا خیر؟

شاهنشاه :

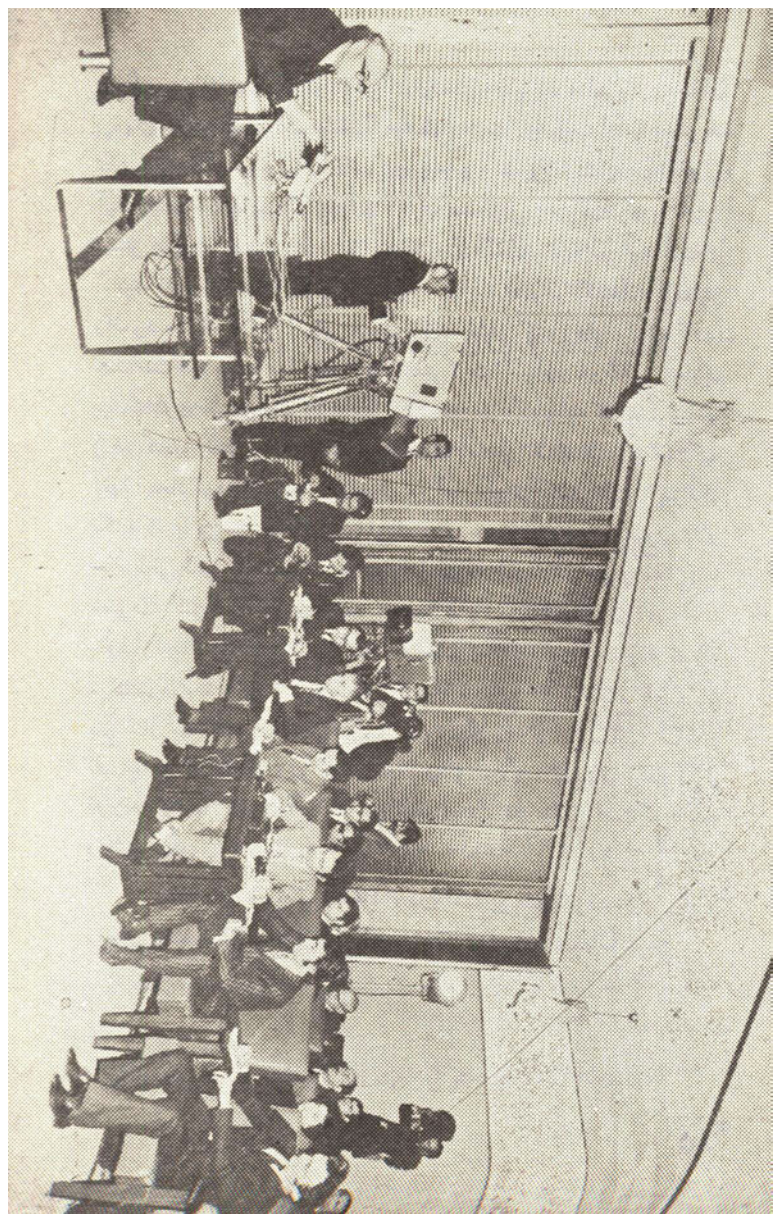
خبیر. خوشبختانه دولتهای بزرگ پس از اختطاری که من در کنفرانس مطبوعاتی اخیر کردم (ویاد آور شدم که هرگاه دولتهای بزرگ در صدد حمایت از کمپانیهای نفتی برآیند، این، زشت‌ترین چهره امپریالیزم اقتصادی و نئوکولنیالیزم خواهد بود)، کوچکترین اثری از مداخله یا حمایت آنها از شرکتهای نفتی ملاحظه نشد. البته همه دولتهای بزرگ و کوچک، راغب و مایلند که تفاهمی ایجاد شود، و این هم طبیعی است، اما این امر را نمیتوان مداخله یا تخطی به حقوق ملی ایران قلمداد کرد.

خبیر نگار: ظاهرأ شرکتهای نفتی از ارائه رقم ۷۰۰ میلیون دلاری، مقاصد تبلیغاتی داشته‌اند آیا همین رقم، حاوی چند درصد از مطالبات ما است؟

شاهنشاه: باین سؤال نمیتوانم دقیقاً پاسخ بگویم و این

بستگی به این دارد که اولاً شرکتهای نفتی تا پایان سال جاری چقدر بریهای نفت اضافه کنند و ثانیاً چه مقدار نفت از این منطقه خارج شود. شاید این مقدار در حال حاضر روزی ۱۵ میلیون بشکه باشد ولی آیا تا پایان سال بهای نفت باز هم ۱۲ درصد ترقی خواهد کرد یا خیر؟ بیشتر یا کمتر، نمیدانم و باز همانطور که گفتم نمیدانم چه نقشیای کشیده‌اند تا قیمت‌ها را بالاتر ببرند و به مصرف کنندگان اینطور وانمود سازند که این ترقی قیمت بعلت فشار کشورهای تولید کننده نفت است که مرتباً بما (شرکتهای نفتی) فشار می‌آورند و ما هم ناچاریم پول بیشتری از مصرف کننده بگیریم. در حالیکه آنچه که ما از آنها (شرکتهای نفتی) خواسته‌ایم از همان مقدار اضافه قیمتی است که آنها ایجاد کرده‌اند و حتی از نصف درآمد آنها نیز کمتر است. پس فکر نکنید که با این ژست آنها در ارائه رقم ۶۰۰ یا ۷۰۰ میلیون دلار حاتم‌طائی ثانی پیدا شده است. مدتها است که آنها (شرکتهای نفتی) به مصرف کنندگان خارجی تحمیل میکنند و فقط قسمتی از درآمد خود را بما میدهند. کسانی که به عمق مطالب توجه ندارند تصور میکنند رقم ۷۰۰ میلیون دلار رقم فوق العاده‌ای است که جمع آن برای پنج سال به ۱۶۰۰ میلیون میرسد و میگویند «این ممالک صاحب نفت چقدر طماعند که رقم ۷۰۰ میلیون و ۱۶۰۰ میلیون را هم قبول ندارند» و حالا خود آنها چقدر استفاده میبرند مطلبی است که بر همه روشن است.

مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه در ساعت بیست و پانزده دقیقه به پایان رسید و معظم له کاخ سنارا ترک گفتند.



اوپك پيروز شد

ساعت سه بعداز ظهر يکشنبه ۲۵ بهمن قرارداد نفتی بين اوپك و کمپانی های نفت در وزارت دارائی در دفتر آقای آموزگار بامضاء رسید.

این موافقت نامه را از طرف روسای کشورهای عضو اوپك در حوزه خلیج فارس آقایان آموزگار وزیر دارائی ایران، وزکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی و از طرف کمپانی ها لرد «استراتلموند» رئیس هیات کمپانی ها امضاء کردند .

پایان مذاکرات

بلافاصله پس از امضای قرارداد آقای آموزگار وزیر دارائی که بعنوان رئیس کمیته سه نفری با کمپانی های نفتی مذاکره و امضاء قرارداد واستیفای حقوق نفتی شش کشور حوزه خلیج فارس را اعلام کرد، وزیر دارائی در گفتگویی خود با نمایندگان مطبوعات رئوس توافق های اوپک با کمپانیهای نفتی را اعلام کرد.

آقای دکتر آموزگار در سخنان خود گفت که در این شب عید غدیر موجب خوشوقتی من است که با اطلاع برسانم که بر اثر ارشاد و راهنمایی های شاهنشاه آریامهرو ایستادگی و سخنانیها و مصاحبه های معظم له بالاخره تلاش کشورهای اوپک به نتیجه رسید و تمام درخواست های اوپک مورد قبول و پذیرش قرار گرفت.

آقای دکتر آموزگار گفت که نکته بسیار مهمی که شاهنشاه روی آن تکیه می کردند یکی مربوط به شاخص افزایش قیمت ها در خارج بود و دیگری افزایش فرآورده های نفتی در بازارهای مصرف.

باید به اطلاع برسانم که کمپانیها این دو اصل را مورد قبول قرار دادند و در موارد اول سالانه معادل ۲ و نیم درصد بر قیمت اعلام شده نفت اضافه میشود و همچنین مرتباً بطور اتوماتیک ۵ سنت در هر بشکه تا پایان قرارداد اضافه خواهد شد. وزیر دارائی افزود نکته اول مالیات بود که برای

۵ سال تا آخر سال ۱۹۷۵ - پنج درصد افزوده شد .

در مورد افزایش قیمت نفت جمعا ۳۳ سنت از فردا بقیمت اعلام شده اضافه میشود .
علاوه بر این، اضافه ۲ سنت هم بایست کرایه که مطالبه شده بود اضافه گردید .

علاوه بر ۳۵ سنت فوق کلیه نفت های خلیج فارس از نظر سبکی و سنگینی و بندر صادراتی تطبیق داده شد با بندر مدیترانه از ۳ سنت تا ۵ سنت ونیم . در مورد آغا جاری ۴ سنت . در مورد گچساران ۵ سنت برای آغا - جاری ۴۰ ر ۵ سنت پذیرفته شد . از محل حق تخفیف رقمی معادل ۷ سنت در هر بشکه نصیب ما میشود .

در نتیجه در مجموع ۴۶۶ سنت بر قیمت نفت افزوده شده .

از این رقم ۲۸ سنت به درآمد کشورهای تولید کننده اضافه میشود و اگر آنرا به عدد ۹۹ سنت قبلی اضافه کنیم به رقم یک دلار و ۲۵ سنت که شاهنشاه در سخنرانی تاریخی خود در مجلس سنا عنوان کرده بود رسیدیم .

تاریخ اجرای قرارداد از فردا شروع میشود ولی تاریخ اجرای شاخص ۲٫۵ درصد ۵ سنت اضافه که برای جبران افزایش فرآورده های نفتی تعیین شده است از ۶ ماه جلوتر یعنی بجای اول ۱۹۷۲ در نیمه دوم سال ۱۹۷۱ عملی میشود .

ضمنا مطلبی در قرارداد گنجانده شده است که اگر روی رقم کرایه تفاوتی به نفع ما پیدا شد آنرا ما پس بدهند در مورد تفاوت درجات غلظت نفت خام که معمولا ۲۱ سنت بود از این پس ارقام اعشاری هم منظور خواهد شد . از این بابت برای هر یکدهم درجه غلظت ۱۵ دهم سنت اضافه خواهد شد .

از نظر ایران کل درآمد برای باقیمانده سال ۱۳۴۹ قریب هشتاد
 میلیون دلار و برای سال ۱۳۵۰ رویه مرفته ۴۱۵ میلیون دلار و برای پنج
 سال قرارداد ۳۶۰۰ میلیون دلار به درآمد ما اضافه خواهد شد.
 از وزیر دارائی سؤال شد که ۷۰۰ میلیون دلاری که در اعلامیه
 که پانیهای نفتی عنوان شده بود با این ارقام بچند میلیون دلار رسید.
 وزیر دارائی گفت بنظر من به ۱۵۰۰ میلیون دلار.
 بعد از سخنان وزیر دارائی روسای هیئت های نمایندگی اوپک در
 حوزه خلیج فارس به ترتیب اظهاراتی نمودند.

